

زبدة الاحادیث

در چهل حدیث و اضافات دیگر




بسم الله الرحمن الرحیم

زبده الاحادیث - در چهل حدیث و اضافات دیگر

نویسنده:

عباس قمی

ناشر چاپی:

قلم علمی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست



زبده الاحادیث در چهل حدیث و اضافات دیگر

مشخصات کتاب

سرشناسه : قمی عباس ۱۳۱۹ - ۱۲۵۴ عنوان و نام پدیدآور : زبده الاحادیث در چهل حدیث با ملحقات و اضافات دیگر بضمیمه کتاب خماسیات تالیف عباس ایمانی قمی بخط عبدالرحیم افشار زنجانی مشخصات نشر : قم قلم علمی - ۱۳۶۸. شابک : بها:۳۵۰ریال ج ۱) یادداشت : عنوان روی جلد: زبده الاحادیث ۳۰۰ حدیث .... عنوان روی جلد : زبده الاحادیث ۳۰۰ حدیث .... عنوان دیگر : خماسیات موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۱۴۳/۹ /ق۸ز۲ ۱۳۶۸ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸ شماره کتابشناسی ملی : م ۶۸-۲۵۱۳

مقدمه

الحمد کلمه لله و الصلوه و السلام علی سیدنا و نبینا رسول الله و علی آله الاطهار آل الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله ، اشهد ان لااله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون .

و اشهد ان امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) وصیه سید الوصیین و ابوالائمه الطاهرین و ان زوجته فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین و ان الحسن و الحسین و الائمه التسعه من ولده ائمه اهل الارض و السماء علی الیقین و حجج الله علی الخلایق اجمعین .

و اشهد ان اقوالهم حجه و امتثالهم فریضه و طاعتهم مفروضه و مودتهم لازمه مقضیه و الاقتداء بهم منجیه و مخالفتهم مردیه و هم شفعاء یوم الدین و افضل الاوصیاء المرضیین .

اللهم صل علی النبی و الوصی و البتول و السبطین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی

و النقی و العسکری و المهدی صلوات الله علیهم اجمعین .

اما بعد چنین گوید بنده کثیرالجرم و قلیل البضاعت المحتاج الی رحمه ربه الغنی عباس بن علی اکبر ایمانی القمی غفر الله ذنو بهما که این مجموعه ئیست در بیان چهل حدیث از احادیث مرویه از حضرت خاتم الانبیاء و المرسلین و حضرات ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که از کتب معتبره اخبار از کافی و خصال و بحار الانوار و سایر کتب معتبره اخبار جمع آوری نموده در این وجیزه برشته تحریر در آوردم تاذخیره یوم لا ینفع مال و لا بنون بوده باشد .

و چون اخبار این کتاب از میان احادیث زبده انتخاب گردید لذا مسمی نمودم آنرا بزبده الاحادیث در چهل حدیث و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

مقدمه در بیان اموری است :

امر اول :

سبب تالیف چهل حدیث ، نَه زیادتر ، بواسطه اخبار بسیاری است که راجع به ثواب حفظ و ضبط چهل حدیث از پیغمبر خدا و ائمه هدی (ع) وارد شده است حتی بعضی از علما ادعای تواتر فرموده .

و در خصال پنج روایت نقل نموده است و ما برای تشویق مومنین اکتفا می کنیم بنقل دو روایت :

اول :

قال رسول الله (ص) : من حفظ من امتی اربعین حدیثا مما یحتاجون الیه من امردینهم بعثه الله یوم القیمه فقیها عالما .

خصال ص ۱۱۳

صدوق بسند خود از حضرت رسولخدا (ص) نقل نموده که فرمود رسول خدا هر که حفظ نماید از امت من چهل حدیث را خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور نماید

.

دوم :

عن حنان سدیر قال سمعت ابا عبدالله (ع) یقول من حفظ اربعین حدیثا من احدیثنا فی الحلال و الحرام بعثه الله یوم القیمه فقیها عالما و لم یعذبه .

خصال ص ۱۱۴

حنان بن سدیر گوید شنیدم از حضرت صادق (ع) که میفرمود که هر که حفظ کند چهل حدیث از احادیث ما را در احکام حلال و حرام خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور نماید و او را عذاب نکند .

و در آخر کتاب هم حدیثی بهمین مضمون نقل مینمائیم .

امر دوم :

اگر چه علما اعلام کتابهائی در چهل حدیث تدوین و تالیف فرموده اند مثل علامه بزرگوار مرحوم شیخناالبهائی و علامه مجلسی و باقی علمای اعلام رضوان الله تعالی علیهم ولیکن برخورد نکردم بچهل حدیثی که از چهارده معصوم (ع) تالیف شده باشد .

لذا این بنده مذنب چهل حدیث از کلمات چهارده معصوم (ع) جمع آوری نموده کتابی تالیف کردم و از هریک از معصومین (ع) سه حدیث زبده و انتخاب گردید الا از حضرت فاطمه زهرا (ع) دو حدیث و او حضرت بقیه الله فی الارضین امام زمان (ع) یک حدیث .

و برای تکمیل شدن چهل حدیث ، حدیث چهلم که مشتمل بر چهل جمله و بسیار حدیث نفیس و شریفی است از حضرت رسول خدا نقل نمودم .

امر سوم :

در فوائد خواندن و شنیدن و مذاکره نمودن حدیث است بدانکه چند چیز است که برای روشنائی دل و برطرف نمودن قساوت و سیاهی آن اثر فراوانی دارد .

اول قرآن خواندن :

دوم استغفار نمودن که

از رسول خدا (ص) مروی است که فرمود : ان للقلوب صداء کصداء النجاس فاجلوها بالاستغفار و تلاوه القرآن .

سوم سحر خیزی و بیداری در آخر شب .

چهارم کثرت ذکر الله و ذکر موت و مرگ نمودن : پنجم خواندن حدیث و شنیدن و مذاکره نمودن آن چنانچه از حضرت رسول خدا (ص) مروی است که فرمود : تذاکر او و تلاقوا و تحدثوافان الحدیث جلاء للقلوب و ان القلوب لترین کما یرین السیف و جلائه الحدیث .

اصول کافی ص ۴۱ .

یعنی علم را مورد مذاکره قرار دهید و یکدیگر را ملاقات کنید و برای یکدیگر حدیث بخوانید زیرا حدیث خواندن وسیله روشن کردن و جلاء دلها است همانا دلها زنگ گیرد مانند شمشیر که زنگ گیرد و جلا و روشنایی آن بحدیث است .

و فی الخصال عن الفضیل بن یسار قال قال لی ابو جعفر یافضیل ان حدیثنا یحیی القلوب .

فضیل گوید حضرت باقر العلوم فرمود یا فضیل بدرستیکه حدیث ما زنده میکند دلها را .

وعن عبدالسلام بن صالح الهروی قال سمعت ابا الحسن الرضا (ع) یقول رحم الله عبدا احیا امرنا فقلت له فکیف یحیی امرکم .

قال (ع) یتعلم علومنا و یعلمها الناس فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا

معانی الاخبار ص ۱۸۰

ترجمه :

عبدالسلام گوید شنیدم از حضرت رضا (ع) که میفرمود خدا رحمت کند بنده ای را که احیا و زنده نماید امر ما را . عرض کردم به آنحضرت چگونه زنده کند امر شما را فرمود که یاد گیرد علوم ما را و آنرا بمردم یاد بدهد زیرا اگر مردم

بدانند خوبی و محاسن کلام ما را هر آینه متابعت کنند ما را .

و اخبار بدین مضمون بسیار است ولی چون بنا بر اختصار است بهمین مقدار اکتفا شد . فلذا لازم دیدم از میان دریای اخبار و احادیث مرویه از حضرت رسول اکرم و ائمه هدی (ع) چهل حدیث زبده و انتخاب نمایم و بصورت کتابی تالیف نمایم تا حمل و نقل آن در حضر و سفر و همه حال آسان و هم باعث ضیاء و روشنائی قلوب مومنین و خوانندگان بوده باشد . و برای اختصار سند حدیث را ذکر نکردم و اکتفا نمودم بذکر کتاب و راوی آخر حدیث هر که طالب تفصیل سند حدیث است مراجعه کند بکتابیکه حدیث از آن گرفته شده . و از میان اخبار غالبا احادیثیکه اخلاقی و یا مشتمل بر موعظه و حکمت آمیز و قلیل اللفظ و سهل التناول بود انتخاب گردید و گاهی هم خبر یکه مشتمل بر اصول و فروع دین بود بیان شد .

و در ترجمه هم اختصار را رعایت کردیم و از توضیح و تفصیل زیاد صرف نظر نمودیم الا قلیلا مختصر شرحی نوشتیم و گاهی استشهاد و تمسک به آیه ای از آیات قرآن مجید و یا روایتی از روایت مرویه از ائمه هدی (ع) نمودیم .

و برای تکثیر فایده خاتمه ای هم بر این کتاب شریف افزودیم تا در همه حال و برای همه کس نافع و از همراه بردن کتب زیاد راحت باشند .

و چون از اول اشتغالم بتحصیل علوم دینیه که در تاریخ ۲۴ شهر ذی القده الحرام سنه ۱۳۶۴ ق و مصادف

بـا سـال ورود حضـرت آیه الله العظمی مرحوم آقـای بروجردی بـدار الایمـان قم بود علاـقه زیـادی بمطالعه کتب احادیث زیاد داشتم و در ایام تعطیلی احادیث زیاد جمع آوری نمودم .

و الحمدالله و المنه توفیق الهی شامل حال گردید تا توانسـتم از میان آنها این کتاب شریف را زبده و انتخاب نمایم تاذخیره یوم المعاد بوده باشد .

استدعا دارم از برادران ایمانی که این حقیر را حیا و میتا از طلب آمرزش و مغفرت فراموش نفرمایند .

ذلک فضل الله یوتیه من یشا و الله ذوالفضل العظیم . اللهم ارزقنا خیر الدنیا و الاخره و اصـرف عناشر الدنیا و الاخره واحشرنا مع سیدنا و نبینا محمد و عترته البریه و ارزقنا فی الدنیا زیارتهم و فی الاخره شفاعتهم بحقهم و برحمتک یا ارحم الراحمین .

و اکنون شروع می کنیم در احایث چهل گانه بعون الله الملک الوهاب و هو المستعان .

حدیث اول

خصال ص ۱۵۲

ابا امامه یقول سـمعت رسول الله (ص) یقول ایها الناس انه لا نبی بعـدی و لا امه بعـدکم الا فاعبدوا ربکم و صـلوا خمسـکم و صوموا شهرکم و حجوا بیت ربکم و ادوا زکوه اموالکم طیبه بها انفسکم و اطیعوا ولاه امرکم تدخلوا جنه ربکم .

ترجمه :

ابوامامه میگویـد شـنیدم از رسول خدا (ص) که میفرمود ایها الناس بدرستیکه نیست پیغمبری بعد از من و نه امتی بعد از شـما آگاه باشـید پس عبادت کنیـد پروردگار خود را و نماز پنجگانه را بخوانیـد و روزه ماره رمضانرا بگیرید و حج خانه پروردگار خود را بجا آورد وزکوه اموال خود را با طیب نفس ادا کنید از اولی الامر خود تا

وارد بهشت شوید .

مؤ لف گویـد که در روایت و لاـه امر و اولی الاـمر تفسیر بـدوازده امـام (ع) شـده است چنـانچه در تفسـیر صـافی و نفخـات الرحمن در ذیل آیه مبارکه یا ایها الذین آمنوا اطیعوالله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم مذکورست .

عن جـابر بن عبـدالله الانصـاری قـال لمـا نزلت الاـیه قلت یـا رسول الله عرفنا الله و رسوله فمن اولی الامر الـذین قرن الله طاعتهم بطاعتک .

فقال (ص) هم خلفائی یا جابر و ائمه المسـلمین من بعدی اولهم علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوریه بالباقر و ستدر که یا جابر فاذا لقیته فاقرا منی السلام .

ثم الصادق جعفر بن محمـد ثم موسـی بن جعفر ثم علی بن موسـی ثم محمـد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن ابن علی ثم سمیی محمـد و کنی حجه الله فی ارضه و بقیته علی عباده ابن الحسن بن علی ذاک الـذی یفتـح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها و ذاک الذی یعیب عن شیعته و اولیائه غیبه لا یثبت علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه لایمان - الخ .

حدیث دوم

خصال ص ۱۵۲

عن انس بن مالـک قـال قـال رسول الله تقبلوا لی لسـبت اتقبـل لکم بالجنه اذا حـدثتم فلا تکـذبوا و اذا وعـدتم فلا تخلفوا و اذا اتمنتم فلا تخونوا و غضوا ابصارکم و احفضوا فروجکم و کفوا ایدیکم و السنتکم .

ترجمه :

انس بن مالک میگوید که فرمود رسول خدا (ص) قبول نمائید از من شش چیز را تا قبول نمایم و ضمانت

کنم برای شما بهشت را .

اول چون حدیث گوئید دروغ نگوئید . دوم هر وقت وعده دادید خلف وعده نکنید . سوم هر وقت امین واقع شدید خیانت نکنید چهارم چشمهای خود را از حرام بپوشانید . پنجم فرجهای خود را از حرام نگاهدارید . ششم دستها و زبانهای خود را از حرام بازدارید . مولف گوید که در این حدیث شریف سه نهی و سه امر شده است . و یکی از اوامر مذکوره در این حدیث غض بصر و پوشانیدن چشم است از حرام که در روایت است النظر الی الاجنبیه سهم من سهام ابلیس یعنی نظر کردن باجنبیه تیری است از تیرهای شیطان .

و اهمیت حجاب و حرمت نگاه کردن مردان بزنان و بالعکس از آیات و روایات بسیار استفاده میشود طالبین به آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور و روایات وارده در ذیل این دو آیه بتفاسیر عربی و فارسی و کتاب وسائل باب نکاح مراجعه نمایند . و هم باتفاق علما شیعه حرام است نظر کردن بر بدن نامحرم از طرفین الا موارد استثناء و اگر خلافی هست در وجه و کفین است و ما عین عبارت یکی از علما بزرگ شیعه حضرت آیه الله العظمی مرحوم آقای سید ابوالحسن اصفهانی (ره) را در اینجا نقل می نمائیم .

وسیله النجاه ص ۲۳۲ .

مسئله ۱۸ – لا اشکال فی عدم جواز نظر الرجل الی ماعد الوجه و الکفین من المرئه الاجنبیه من شعرها و سائر جسدها سواء کان فیه تلذذ و ریبه ام لا و کذا الوجه و الکفان اذا کان بتلذذ و ریبه . و اما بدونها ففیه

قولان بل اقوال الجواز مطلقا و عـدمه مطلقا و التفصـيل بين نظره واحده فالاول و تكرار النظر فالثانی و احوط الاقوال بل اقواها و اوسطها .

خلاصه ترجمه :

اشـكالی نيست در جايز نبودن نظر كردن مرد بغير از وجه و كفين از زن اجنبيه از مو و باقی بـدن او چه در آن نظر تلـذذ و ريبه باشد يا نه . و هم چنين جايز نيست نظر بوجه و كفين هرگاه باتلذذ و ريبه باشد .

و امام بدون تلذذ و ريبه پس در جواز نظر و عدم جواز دو قول بلكه سه قول است . اول جواز نظر مطلقا . دوم عدم جواز مطلقا . سوم تفصـيل بين يك نظر . پس قول اول است و بين تكرار نظر پس قول دوم است و احوط الاقوال بلكه اقوی آنها قول وسط است كه آن عدم جواز نظر است مطلقا .

حديث سوم

اثنی عشريه ص ۲۴۵ .

قـال النبی (ص) يـا علی تمنی جبرئيل ان يكون من بنی آدم بسـبع خصال و هی الصـلوه فی الجماعه و مجالسه العلما و الصـلح بين الاثنين و اكرام اليتيم و عياده المريض و تشييع الجنازه و سقی الما فی الحج فاحرص ذلك .

ترجمه :

پيغمبر خدا (ص) فرمود يا علی (ع) آرزو كرده جبرئيل كه از بنی آدم باشد بواسطه هفت خصلت :

۱ - نماز بجماعت خواندن

۲ - مجالست با علماء نمودن

۳ - صلح ميان دو نفر دادن

۴ - اكرام يتيم كردن

۵ - عيادت مريض نمودن .

۶ - تشييع جنازه كردن

۷ - سيراب نمودن تشنگان در حج است پس بر اين امور هفتگانه حريص باش . مولف

گوید راجع بثواب و اهمیت این هفت چیز اخبار بسیاری از اهل عصمت وارد شده است که این مختصر گنجایش ذکر آنها را ندارد .

ولی درباره ثواب سیراب کردن تشنگان بنقل دو روایت تبرک میجوئیم . اول در منازل الاخره ص ۵۶ .

از حضرت رسول (ص) مروی است که در رویا دیدم عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادم جعفر بن ابیطالب را که در پیش آنها طبقی است از سدر پس یکساعتی از آن میل کردند پس از آن سدر مبدل شد بانگور پس یکساعتی از آن خوردند پس از آن انگور رطب شد پس یک ساعتی از آن میل کردند .

من نزدیک ایشان رفتم و گفتم پدرم فدای شما باد چه عملی یافتید که از همه اعمال افضل باشد .

گفتند پدران و مادران ما فدای تو باد یافتیم ما افضل اعمال را صلوات بر تو و سقایت آب و محبت علی بن ابیطالب (ع) .

دوم در وسیله النجاه ص ۱۹۲ .

و فی الامالی باسناده عن الصادق (ع) عن آبائه عن رسول الله (ص) قال من اطعم مومنا من جوع اطمعه الله من ثماد الجنه .

و من کساه من عری کساء الله من استبرق و حریر و من سقاه شربه من عطش سقاه الله من الرحیق المختوم و من اعانه او کشف کربته اظلله الله فی ضل عرشه یوم لا ضل الاظله .

حدیث چهارم

خصال ص ۲۶

عن ابی عبدالله (ع) قال امیر المومنین (ع) فی وصیته لا بنه محمد بن الحنیفه واعلم ان مروه المسلم مروتان مروه فی حضر و مروه فی سفر فاما

مروه الحضر فقرائه القرآن و مجالسه العلماء و النظر فی الفقه و المحافظه علی الصلوه فی الجماعات و اما مروه السفر فبذل الزاد و قله الخلاف علی من صحبک و کثره ذکر الله عزوجل فی کل مصعد و مهبط و نزول و قیام و قعود .

ترجمه :

مروی است از حضرت صادق (ع) که فرمود حضرت امیر المومنین (ع) در وصیت خود بفرزندش محمد بن الحنفیه . بدانکه همانا جوانمردی مرد مسلمان دو جوانمردی است یکی جوانمردی در حضر و دیگری جوانمردی در سفر . اما جوانمردی در حضر پس آن عبارت است از خواندن قرآن و نشستن باعلما و نظر و تدبر در فقه نمودن و محافظت بر نماز در جماعتها کردن . و اما جوانمردی در سفر پس آن عبارت است از بذل زاد و توشه و قلت خلاف بارفقا و همراهان .

و زیاد ذکر خداوند عزوجل نمودن در هر بالا رفتن و پائین آمدن و فرود آمدن و ایستادن و نشستن . حقیر گوید نظیر همین روایت روایت دیگری است که امام هشتم (ع) از آباء گرام خود از وجود مقدس حضرت امیر المومنین از پیغمبر خدا روایت فرموده است و ما برای تکثیر فایده تمام آنرا نقل مینمائیم .

خصال ص ۱۵۳

قال حدثنی ابوالحسن علی بن موسی الرضا عن ابیه عن آبائه عن علی بن ابیطالب (ع) قال قال رسول الله (ص) ست من المروه ثلاث منها فی الحضر و ثلاث منها فی السفر .

فاما التی فی الحضر فتلاوه کتاب الله عزوجل و عماره مساجد الله و اتخاذ الاخوان فی الله عزوجل .

و اما التی فی السفر فبذل الزادو حسن الخلق و المزاح فی غیر المعاصی .

ترجمه :

امـام هشـتم حضـرت علی بن موسـی الرضا (ع) از آباء گرام خود از امیر المومنین (ع) نقل میفرمایـد که رسول خـدا (ص) فرمود شش چیز از جوانمردی است سه تای از آن در حضر و سه تای دیگر آن در سفر .

امـا آن سـه کـه در حضـر است پس آن تلاـوت کتـاب خداونـد عزوجـل و تعمیر مسـجدهای خداونـد و گرفتن برادران در راه خداوند تعالی است . و اما آن سه که در سفر است پس آن بذل زاد و اخلاق نیکو و مزاح در غیر معاصی نمودن است .

حدیث پنجم

خصال ص ۱۶۰

باسناد یرفعه الی امیر المومنین (ع) انه قال کمال الرجل بست خصال باصغریه و اکبریه و هیبتیه .

فاما اصغراه فقلبه و لسانه ان قاتل قاتل بجنان و ان تکلم تکلم ببیان و اما اکبراه فعقله و همته و اما هیبتاه فماله و جماله .

ترجمه :

صـدوق (ره) مرفوعا از حضـرت امیر المومنین (ع) روایت میکنـد که آنحضـرت فرمود کمال مرد بشـش خصـلت است بـدو کوچک و دو بزرگ و دو هیبت .

و اما دو کوچک او پس دل و زبان است اگر جهاد کنـد جهاد نماید بوسـیله دل و اگر تکلم کند تکلم نماید و بوسـیله بیان . و اما دو بزرگ او پس عقل او و همت اوست . و اما دو هیبت او پس مال او وجمال اوست

حدیث ششم

خصال ص ۱۱۰

عن الاصبغ بن نباته قال قال امیر المومنین (ع) قال الله تبارک و تعالی لموسی (ع) یا موسی احفظ وصیتی لک باربعه اشیاء .

اولیهن مادمت لاتری ذنولک تغفر فلا تشـتغل بعیوب غیرک . و الثانیه مادمت لاتری کنوزی قد نفدت فلا تغتم بسـبب رزقک . و الثالثه مادمت لاتری زوال ملکی فلا ترج احدا غیری و الرابعه مادمت لاتری الشیطان میتا فلاتامن مکره

ترجمه :

اصبغ بن نباته میگوید حضرت امیر المومنین (ع) فرمود که خداوند تبارک و تعالی بموسی فرمود ای موسی حفظ کن وصیت

مرا در چهار چیز . اول تا وقتیکه نمی بینی گناهان خود را آمرزیده پس بعیوب غیر خودت مشغول مشو

دوم تا وقتیکه نمی بینی گنجهای مرا تمام شده پس بواسطه روزی خودت غمناک مشو

سوم تا وقتیکه

نمی بینی زوال ملک مرا پس باحدی غیر از من امیدوار مباش

چهارم تاوقتیکه نمی بینی شیطانرا مرده پس از مکر او ایمن مباش .

حدیث هفتم

اصول کافی ص ۶۶۷

عن زراره عن ابی عبدالله (ع) قال جائت فاطمه تشکو الی رسول الله (ص) بعض امر هافا عطاها رسول الله (ص) کربه فقال تعلمی ما فیها فاذا فیها من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلا یوذی جاره و من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلیکرم ضیفه و من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلیقل خیرا اولیسکت .

ترجمه :

حضرت صادق (ع) فرمود که حضرت فاطمه (ع) بشکایت آورد بسوی رسول خدا (ص) بعضی امور خود را پس رسول خدا (ص) عطا فرمود باو چوبی پهن مانند شانه یا لوحی پس فرمود یاد بگیر آنچه در او است پس ناگاه یافت در او نوشته بود سه جمله :

هرکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس باید اذیت نکند همسایه خود را

و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس باید اکرام نماید مهمان خود را .

و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس باید بگوید خیر را یا ساکت باشد

حدیث هشتم

منتهی الامال ص ۹۸

محدث فیض در خلاصه الاذکار نقل کرده از حضرت زهرا (ع) روایت است که حضرت رسول (ص) بر من وارد شد در وقتیکه رختخواب خود را پهن کرده بودم و میخواستم بخوابم فرمود ای فاطمه مخواب مگر بعد از آنکه چهار عمل بجا آوری : ختم قرآن کنی و پیغمبران راشفیعان خود گرانی و مومنین را از خود خوشنود گردانی و حج و عمره بکنی .

این را فرمود و داخل نماز شد من توقف کردم تا نماز

خود را تمام کرد . گفتم یا رسول الله (ص) امر فرمودی بچهار چیز یکه من قدرت ندارم در این وقت آنها را بجا آورم .

آنحضرت تبسم کرد و فرمود :

هرگاه بخوانی قل هو الله احد را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کردی

و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران پیش از من ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت

و هرگاه استغفار کنی از برای مومنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند . و هرگاه بگوئی سبحان الله والحمدلله و لااله الا الله و الله اکبر پس گویا حج و عمره کرده ای

مولف گوید برکات و یادگاریهای حضرت فاطمه (ع) بسیار است از جمله همین دو حدیثکه مذکور گردید حدیث هفت و هشت . و از جمله دعای نور و استغاثه و سایر نمازهای آن حضرت است . و از جمله تسبیح آن حضرت است که احادیث در فضیلت آن بسیار است و کافی است آنکه هر که مداومت کند به آن شقی بدعاقبت نمی شود . و خواندن آن بعد از هر نماز بهتر است نزد حضرت صادق (ع) از هزار رکعت نماز گزاردن در هر روزی و آن ذکر کثیر است که خداوند در قرآن یاد فرمود .

و خواندن آن بعد از هر نماز و وقت خوابیدن و وقت خروج بمسافرت مستحب است و کیفیت آن علی الاشهر ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان الله که مجموعا صد میشود .

حدیث نهم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۰۷

قال مولانا الحسن (ع) ان الله عزوجل ادب نبیه احسن الادب

فقال خذا العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين سوره اعراف آیه ۱۹۹

فلما وعی الذی امره قال تعالی و ما آتیکم الرسول فخذوه و مانهیکم عنه فانتهوا سوره حشر آیه ۷

فقال (ص) لجبرئیل و ما العفو قال ان تصل من قطعک و تعطی من حرمک و تعفو عمن ظلمک فلما فعل ذلک اوحی الله و انک لعلی خلق عظیم سوره قلم آیه ۴

ترجمه :

حضرت امام حسن مجتبی (ع) فرمود بدرستیکه خداوند عزوجل تادیب فرمود پیغمبر خود را به نیکوترین ادب

پس فرمود عفو را بگیر و امر بمعروف کن و از جاهلین اعراض کن

پس چون حفظ فرمود پیغمبر آنچه را که خدا امر فرموده بود خداوند تعالی فرمود و آنچه بیاورد پیغمبر شما را پس بگیرید آنرا و آنچه نهی فرماید شما را از آن پس باز ایستید و بجا نیاورید .

پس فرمود حضرت رسول (ص) بجبرئیل که عفو کدام است گفت اینکه صله و احسان باکسیکه قطع رحم کرده تو را و عطا کنی بکسیکه محروم کرده تو را و عفو کنی از کسیکه ظلم کرده تو را .

پس چون بجا آورد پیغمبر این امور را خداوند وحی فرمود بسوی او و بدرستیکه تو هر آینه برخلق بزرگی هستی

حدیث دهم

خصال ص ۱۵

قال حدثنا الحسن عن الحسن عن الحسن (ع) ان احسن الحسن الخلق الحسن .

ترجمه :

حضرت امام حسن مجتبی (ع) فرمود بدرستیکه نیکوترین نیکوئی خلق نیکو است .

حقیر گوید روایات بسیار راجع با خلاق نیکو و فوائد آن وارد شده که ما ببعض آنها تبرک میجوئیم .

اول : عن امیر المومنین (ع)

قال حسن الخلق فی ثلاث اجتناب المحارم و طلب الحلال و التواسع علی العیال .

سفینه البحار ص ۴۱۱

ترجمه :

حضرت امیر المومنین فرمود که حسن خلق در سه چیز است .

اول اجتناب نمودن از محرمات

دوم طلب حلال کردن

سوم توسعه دادن بر عیال

دوم : و قد تکر رت الاحادیث فی مدح حسن الخلق کقوله (ع) اکثر ما یدخل الناس الجنه تقوی الله و حسن الخلق و قوله (ع) ان العبد لیدرک بحسن خلقه درجه الصائم القائم و قوله (ص) بعثت لاتمم مکارم الاخلاق .

سفینه البحار ص ۴۱۰

سوم : عن ابی جعفر (ع) قال اتی النبی (ص) باساری فامر بقتلهم و خلی رجلا من بینهم فقال الرجل یا نبی الله کیف اطلقت عنی من بینهم فقال اخبرنی جبرئیل عن الله جل جلاله ان فیک خمس خصال یحبها الله و رسوله الغیره الشدیده علی حرمک و السخاء و حسن الخلق و صدق اللسان و الشجاعه فلما منها الرجل اسلم و حسن اسلام و قاتل مع رسول الله قتالا شدیدا حتی استشهد .

ترجمه :

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود اسیرانی حضور پیغمبر خدا (ص) آوردند پس آنحضرت امر فرمود بکشتن آنها و یک مرد از میان آنها رها فرمود

پس آنمرد عرض کرد یا رسول الله چگونه و برای چه مرا از میان آنها رها کردی

پس آنحضرت فرمود جبرئیل خبر داد مرا از جانب خداوند تعالی که بدرستیکه در تو پنج خصلت است که خدا و رسول او آنها را دوست میدارند .

اول غیرت شدید بر حفظ حرم و ناموست

دوم سخاوت

سوم حسن خلق

چهارم صدق لسان و راست

گوئی

پنجم شجاعت

پس وقتیکه آنمرد اینها را شنید اسلام را آورد و نیکو شد اسلام او و جهاد کرد با رسول خدا یک جهاد شدیدی تا بدرجه رفیع شهادت رسید .

مترجم گوید ملاحظه کن که چگونه این مرد بواسطه حسن خلق و سایر صفات حمیده از کشته شدن نجات پیدا کرد و بشرف اسلام و سعادت شهادت نائل گردید .

و خلاصه فوائد آن بسیار است از جمله طول عمر و توسعه رزق و سنگینی میزان عمل

چنانچه در روایت است که در روز قیامت هیچ چیز در نامه عمل مومن گذاشته نمی شود که سنگین تر باشد از حسن خلق و صلوات بر محمد و آل محمد و آنکه اخلاق نیکو مورد الطاف خداوند تعالی و مخلوق است .

و نعم ما قال :

آنکه باخلاق نکو خو گرفت

در دو جهان رتبه نیکو گرفت

خلق و خدایش همه دارند دوست

فعل نکو زاده خلق نکو است

حدیث یازدهم

۱۰ بحار الانوار ص ۱۳۲

عن جناده بن ابی امیه قال دخلت علی الحسن بن علی ابن ابیطالب (ع) فی مرضه الذی توفی فیه و بین یدیه طست یقذف علیه الدم و یخرج کبده قطعه قطعه من السم الذی اسقاه معویه لعنه الله فقلت یا مولای مالک لاتعالج نفسک . فقال (ع) یا ابا عبدالله بماذا اعالج الموت فقلت انالله و انا الیه راجعون .

ثم التفت الی فقال و الله لقد عهد الینا رسول الله (ص) ان هذا الامر یملکه اثنی عشر اماما احد عشر منهم من ولد علی و فاطمه (ع) مامنا الا مسموم او مقتول ثم رفعت الطست و بکی (ع)

قال فقلت له عظنی

یابن رسول الله (ص) قال نعم .

استعدلسفر و حصل زادک قبل حلول اجلک . و اعلم انک تطلب الدنیا و الموت یطلبک و لا تحمل هم یومک الذی لم یاءت علی یومک الذی انت فیه . و اعلم انک لاتکسب من المال شیئا فوق قوتک الا کنت فیه خازنا لغیرک .

و اعلم ان فی حلالها حسابا و فی حرامها عقابا و فی الشبهات عتابا فانزل الدنیا بمنزله المیته خذ منها ما یکفیک فان کان ذلک حلالا قد زهدت فیها و ان کان حراما لم یکن فیه وزر فاخذت کما اخذت من المیته و ان کان العتاب فالعتاب یسیر

و اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لاخرتک کانک تموت غدا و اذا اردت عزا بلا عشیره و هیبه بلاسلطان فاخرج من ذل معصیه الله الی عز طاعه الله عزوجل – الخ .

ترجمه :

علامه مجلسی (ره) در دهم بحار بسند معتبر از جناده ابن ابی امیه روایت کرده است که در مرض حضرت امام حسن (ع) که به آن مرض ارتحال فرمود .

بخدمت او رفتم دیدم در پیش روی او طشتی گذاشته بودند و پاره پاره جگر مبارکش در آن طشت میر یخت بواسطه زهری که معاویه باو خورانیده بود .

پس گفتم ای مولای من چرا خود را معالجه نمیکنی فرمود ای بنده خدا مرگ رابچه چیز علاج میتوان کرد گفتم انالله و انا الیه راجعون .

پس بجانب من ملتفت شد و فرمود که خبر داد ما را رسول خدا (ص) که بعد از او دوازده خلیفه و امام خواهند بود یازده کس ایشان از فرزندان علی و فاطمه

(ع) باشند و همه ایشان به تیغ یا بزهر شهید شوند . پس طشت را نزد آن حضرت برداشتند حضرت گریست من گفتم یا بن رسول الله مرا موعظه کن

فرمود که مهیای سفر آخرت باش و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل تحصیل نما .

و بدانکه تو طلب دنیا میکنی و مرگ ترا طلب میکند و بار مکن اندوه روزی را که هنوز نیامده است بر روزیکه در آن هستی . و بدانکه هر چه از مال تحصیل نمائی زیاده از قوت خود در آن بهره ای نخواهی داشت و خزینه دار دیگری خواهی بود .

و بدانکه در حلال دنیا حساب است و در حرام دنیا عقاب و مرتکب شبهات آن شدن موجب عتاب است .

پس دنیا را نزد خود بمنزله مرداری فرض کن و از آن مگیر و مگر بقدر آنچه ترا کافی باشد که اگر حلال باشد زهد در آن ورزیده باشی و اگر حرام باشد در آن و رز و گناهی نداشته باشی

زیرا که آنچه گرفته باشی بر تو حلال باشد چنانچه میته حلال میشود در حال ضرورت و اگر عتابی باشد عتاب آن کمتر باشد .

و از برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود چنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد .

و اگر خواهی که عزیز باشی بی قوم و قبیله و دارای هیبت باشی بی سلطنت و حکونت پس بیرون برو از ذلت معصیت خدا بسوی عزت طاعت و فرمانبرداری خداوند عزوجل . و از این نوع مواعظ و سخنان اعجاز نشان فرمود تا آنکه نفس مقدسش

قطع گشت و رنگ مبارکش زرد شد .

حدیث دوزادهم

روی ان الحسین بن علی (ع) جائه رجل و قال انا رجل عاصی و لا اصبر علی المعصیه فعظنی بموعظه .

فقال (ع) افعل خمسه اشیا و اذنب ماشئت

فالاول ذلک لاتاکل رزق الله و اذنب ماشئت

و الثانی اخرج من ولایه الله و اذنب ماشئت

و الثالث اطلب موضعا لایراک الله و اذنب ماشئت

و الرابع اذا جا ملک الموت لیقبض روحک فادفعه عن نفسک و اذنب ماشئت

و الخامس اذا ادخلک مالک فی النار فلا تدخل فی النارو اذنب ماشئت

ترجمه :

علامه مجلسی نقل فرموده که مردی آمد حضور حضرت حسین بن علی (ع) و عرض کرد که من مرد گنهکاری هستم و صبر بر معصیت ندارم پس مرا موعظه کن

پس حضرت فرمود که پنج کار بجا بیاور هرچه میخواهی گناه بکن .

اول روزی خدا را نخور هر چه میخواهی گناه بکن . دوم از مملکت خدا بیرون برو هر چه میخواهی گناه بکن . سوم مکانی را طلب بکن که خدا ترا نبیند هر چه میخواهی گناه بکن

چهارم وقتیکه ملک الموت بیاید برای اینکه قبض نماید روح ترا او را از خود دور کن هر چه میخواهی گناه بکن

پنجم وقتیکه مالک جهنم ترا وارد آتش نماید پس داخل مشو در آتش هر چه میخواهی گناه بکن

مولف گوید که همین حدیث را در کتاب اثنی عشریه از حضرت امام حسن مجتبی (ع) نقل کرده هر که طالب است به آنجا رجوع نماید .

حدیث سیزدهم

۱۷ بحار الانوار ص ۱۵۱

قال الصادق (ع) حدثنى ابى عن ابيه (ع) ان رجلا من اهل الكوفه كتب الى ابى الحسين بن على (ع

) یا سیدی اخبر نی بخیر الدنیا و الاخره فکتب (ع) بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد فان من طلب رضی الله بسخط الناس کفاه الله و امور الناس

و من طلب رضا الناس بسخط الله و کلمه الله الی الناس و السلام .

ترجمه :

حضرت صادق (ع) فرمود که حدیث کرد مرا پدرم از پدرش که مردی از اهل کوفه نوشت بسوی پدرم حضرت حسین ابن علی (ع) که ای سید و آقای من خبر ده مرا بخیر دنیا و آخرت .

حضرت در جواب نوشت بسم الله الرحمن الرحیم .

اما بعد پس بدرستیکه هر که طلب نماید رضایت خدا را بغضب مردم خداوند کفایت فرماید امور مردم را از او و هر که طلب نماید رضایت مردم را بغضب خداوند تعالی خدا واگذارد او را بسوی مردم والسلام .

حدیث چهاردهم

۱۷ بحار الانوار ص ۱۵۱

الدره الباهره قال الحسین بن علی (ع) ان حوائج الناس الیکم من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم

ترجمه :

امام سوم حضرت حسین بن علی (ع) فرمود بدرستیکه حاجتهای مردم بسوی شما از نعمتهای خدا است بر شما پس ملول و خسته نشوید از نعمتهای خدا

و قال (ع) فی مسیره الی کربلا فی حدیث ان الناس عبید الدنیا و الدین لعق السنتهم یحوطه نه مادرت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون .

فرمود آنحضرت در وقت رفتن بکربلا دنیایند و دین لعقه ئیست بزبانشان بطرف دین میروند آنقدریکه معیشت آنها خوش باشد . پس وقتیکه بمقام امتحان بر آمدند کم میشوند دینداران .

حدیث پانزدهم

انوار البهیه ص ۵۳

روی انه جاء رجل الی علی بن الحسین (ع) یشکو الیه حاله .

فقال (ع) مسـكين بن آدم له فی کل یوم ثلاث مصائب لا یعتبر بواحـده منهن و لو اعتبر لهانت علیه المصائب و امر الدنیا . فاما المصیبه الاولی فالیوم الذی ینقص من عمره و ان ناله نقصان فی ماله اغنم به والدرهم بخلف عنه و العمر لا یرده شی

و الثانیه انه یستوفی فان کان حلالا حوسب علیه و ان کان حراما عوقب

قال و الثالثه اعظم من ذلک قیل و ماهی قال (ع) ما من یمسی الا وقد دنی من الاخره مرحله لا یدری علی الجنه ام علی النار .

ترجمه :

روایت شده که مردی آمد حضور حضرت علی بن الحسین (ع) امام چهارم که شکایت نماید از حال خود

پس فرمود آنحضرت که بیچاره فرزند آدم برای او در هر روزی سه مصیبت

است که بهیچیک از آنها عبرت نمیگیرد و اگر عبرت بگیرد سهل و آسان شود بر او مصیبتها و امر دنیا . اما مصیبت اول کم شدن هر روز است از عمر او همانا اگر در مال او نقصان پدید آید مغموم شود با آنکه جای در هم رفته درهمی می آید و عمر را چیزی بر نمیگرداند . مصیبت دوم استیضاء روزی او است پس هرگاه حلال باشد حساب از او کشند و اگر حرام باشد او را عقاب کنند

مصیبت سوم از این بزرگتر است پرسیدند چیست ؟ فرمود هیچ روزی را شب نمیکند مگر اینکه به آخرت یک منزل نزدیک میشود لکن نمیداند که ببهشت وارد میشود یا بدوزخ .

حدیث شانزدهم

سفینه البحار ص ۵۱۷

اعلام الدین قال علی بن الحسین (ع) لا یهلک مومن بین ثلاث خصال :

شهاده ان لااله الا الله وحده لا شریک له و شفاعه رسول الله (ص) وسعه رحمه الله

ترجمه :

امام چهارم حضرت علی بن الحسین (ع) فرمود که هلاک نمیشود مومت در بین سه خصلت :

اول گواهی دادن بیگانگی خدا و کلمه توحید .

دوم شفاعت حضرت رسول خدا (ص)

سوم رحمت واسعه خداوند تعالی .

حدیث هفدهم

سفینه البحار ص ۵۱۶

عن محمد بن مسلم عن الصادق (ع) عن ابینه (ع) قال قال ابی الحسین (ع) یا بنی انظر خمسه فلا تصاحبهم و لا تحادثهم و لا ترافقهم فی طریق فقال یا ابه من هم عرفنیهم . قال ایاک و مصاحبه الکذاب فانه بمنزله السراب یقرب لک البعید و یبعد لک القریب . و ایاک و مصاحبه الفاسق فانه با یعک باکله او اقل من ذلک

و ایاک و مصاحبه البخیل فانه یخذلک فی ماله احوج ما تکون الیه .

و ایاک و مصاحبه الاحمق فانه یرید ان ینفعک فیضرک و ایاک و مصاحبه القاطع لرحمه فانی وجدته ملعونافی کتاب الله عزوجل فی ثلاثه مواضع

قال الله تعالی آیه ۲۲ سوره محمد . و قال عزوجل آیه ۲۵ سوره رعد

و قال تعالی آیه ۲۷ سوره بقره

ترجمه :

حضرت صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) نقل می فرماید که فرمود پدرم حضرت علی بن الحسین (ع) فرمود ای پسر جان من با پنج طبقه از مردم مصاحبت مکن و سخن با ایشان مگوی و رفاقت مکن با ایشان

در راه

پس امام باقر گفت ای پدر بزرگوارم آنها کیانند معرفی بفرمائید

فرمود اول باکذاب مصاحبت مکن زیرا که او بمنزله شراب است دور میکند از تو نزدیک را و نزدیک میکند بتو دور را

دوم بـا فـاسق مصـاحبت مکن زیرا که او ترا بلقمه ای و کمتر از آن میفروشـد . سوم با بخیل مصاحبت مکن زیرا که ترا محروم مینماید از مالش در وقتیکه کمال احتیاج را به آن داری

چهارم با احمق مصاحبت مکن زیرا که او میخواهد نفع برساند از نادانی خود ضرر میرساند

پنجم با قاطع رحم مصاحبت مکن زیرا که من یافتم او را ملعون در سه موضع از کتاب خدایتعالی

برای اختصار شماره آیات و سور آن در متن حدیث بیان شد مراجعه شود

مولف گویـد که احادیث بسـیار در ثواب و فوائد صـله رحم که از جمله آن طول عمر است و هم در عقاب قاطع رحم و ضـرر آن که از جمله کوتاهی عمر است وارد شده که این کتاب گنجایش ذکر آنها را ندارد

لکن ما بنقل یک روایت که مشتمل بر فوائد بسیاری است تبرک میجوئیم

در بحار از اعلام الذین دیلمی از حضرت امیر المومنین (ع) روایت کرده که فرمود جاء رجل الی النبی (ص) .

فقال علمنی یجنی الله و یجنی المخلوقون و یثری الله مالی و یصح بدنی و یطیل عمری و یحشرنی معک

قال (ص) هده ست خصال تحتاج الی ست خصال اذا اردت ان یحبک الله فخفه واتقه

و اذا اردت ان یحبک المخلوقون فاحسن الیهم و ادفض ما فی ایدیهم . و اذا اردت ان یثری الله مالک فزکه . و اذا اردت

ان یصح الله بدنک فاکثر من الصدقه و اذا اردت ان یطیل الله عمرک فصل ذوی ارحامک و اذا اردت ان یحشرک الله معی فاطل السجود بین یدی الله الواحد القهار .

ترجمه :

حضرت امیر المومنین (ع) فرمود که مردی آمد حضور پیغمبر خدا (ص) پس عرض کرد یاد بده بمن عملی راکه خدا و مخلوق مرا دوست بدارند و مالم زیاد شود و بدنم سالم بماند و عمرم طولانی شود و با تو محشور شوم حضرت فرمود که این شش خصلت است محتاج بشش خصلت میباشد

اگر میخواهی که خدا ترا دوست بدارد از خدا بترس و دارای تقوی باش

و اگر میخواهی که مخلوق ترا دوست دارند احسان کن به آنهاو واگذار آنچه در دست آنها است . و اگر میخواهی مالت زیاد شود زکوه بده و اگر میخواهی که خدا بدنت را سالم بدارد زیاد صدقه بده

و اگر میخواهی عمرت را خدا طولانی نماید صله رحم کن .

و اگر میخواهی که خدا ترا با من محشور کند پس سجده طولانی بجا بیاورد در مقابل خداوند و احد قهار

حقیر گوید که در صله رحم پنج فایده است : اول قبولی اعمال

دوم زیادی اموال

سوم دفع بلا

چهارم آسانی حساب

پنجم طول عمر کما فی الکافی قال ابوجعفر (ع) صله الارحام تزکی الاعمال و تنی الاموال و تدفع البلوی و تیسر الحساب و تنسی فی الاجل .

حدیث هیجدهم

خصال ص ۵۳

عن الفضیل بن یسار عن ابی جعفر (ع) قال عشر من لقی الله عزوجل بهن دخل الجنه

شهاده ان لااله الا الله وان محمدا رسول الله (ص) و الا قرار بما

جاء من عندالله عزوجل و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و صوم شهر رمضان و حج البیت و الولایه لاولیاء الله و البرائه من اعدا الله و اجتناب کل مسکر .

ترجمه :

حضرت امام محمد باقر (ع) فرموده چیز است که هر که ملاقات کند خداوند عزوجل را به آنها داخل بهشت شود اول شهادت دادن بیگانگی خدا

دوم شهادت دادن باینکه محمد (ص) رسول خدا است . سوم اقرار به آنچه پیغمبر از جانب خدا آورده .

چهارم بپاداشتن نماز

پنجم دادن زکوه

ششم روزه گرفتن ماه رمضان

هفتم حج خانه خدا بجا آوردن

هشتم ولایت و دوستی با اولیا خدا

نهم برائت و بیزاری از دشمنان خدا

دهم اجتناب نمودن از هر مسکر و مست کننده

حدیث نوزدهم

بحار الانوار ص ۱۶۴

قال مولانا الباقر (ع) ان الله عفو بات للقلوب و الا بدان ضنک فی المعشیه و وهن فی العباده و ماضرب عبد بعقوبه اعظم من قسوه القلب .

ترجمه :

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود بدرستیکه برای خدا عقوباتی است در دلها و بدنها

اما عقوبت در بدن تنگی در معیشت و سستی در عبادت است . و اما عقوبت در دل قساوت قلب است و هیچ بنده زده نشده بعقوباتیکه بزرگتر باشد از قساوت قلب .

حدیث بیستم

خصال ص ۱۳۱

عن ابی حمزه الثمالی قال قال ابو جعفر (ع) بنی الاسلام علی خمس

اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و حج البیت و صوم شهر رمضان و الولایه لنا اهل البیت . فجعل فی اربع منها رخصه و لم یجعل فی الولایه رخصه .

من لم یکن له مال لم تکن علیه الزکوه . و من لم یکن عنده مال فلیس علیه حج

و من کان مریضا صلی قاعدا و افطر شهر رمضان . و الولایه صحیحا کان او مریضا اوذا مال اولامال له فهی لازمه .

ترجمه :

ابوحمزه ثمالی گوید که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که بنا شده اسلام بر پنج چیز

اول بپاداشتن نماز

دوم دادن زکوه

سوم حج خانه خدا

چهارم روزه ماه رمضان

پنجم ولایت ما اهل بیت (ع)

پس قرا داده شده در چهار چیز از آنها رخصت و لکن قرار داده نشده در ولایت رخصتی

کسیکه مال ندارد زکوه و حج بر او واجب نیست و کسیکه مریض باشد نشسته نماز میخواند و روزه ماه رمضانرا افطار میکند

و اما ولایت چه صحیح باشد یا مریض صاحب مال باشد

یابی مالی پس آن لازم است واحدی استثنا نخورده . مولف گوید که به این مضمون روایات بسیاری شده و اینکه ولایت ائمه هدی (ع) شرط قبولی تمام عبادات است و ولایت آخر واجب در دین اسلام و کمال دین به آن شده است و باعث تقرب بندگان بخداوند تعالی ولایت است و اینکه اطاعت ائمه اثنی عشر (ع) اطاعت خدا و رسول است و محبت آنها ایمان و بغض با آنها کفر است .

اصول کمافی الکافی ص ۹۱

عن محمد بن الفضل قال سئله عن افضل ما یتقرب به العباد الی الله عزوجل .

قال (ع) افضل ما یتقرب به العباد الی الله عزوجل طاعه الله و طاعه رسوله و طاعه اولی الامر .

قال ابوجعفر (ع) حبنا ایمان و بغضنا کفر

ترجمه :

محمد بن الفضل گوید که سوال کردم از حضرت امام محمد باقر (ع) از افضل چیزیکه بندگان بخداوند عزوجل تقرب پیدا میکنند

فرمود افضل چیزیکه بندگان بوسیله آن بخداوند تعالی تقرب پیدا میکنند و نزدیک میشوند طاعت خدا و طاعت رسول خدا و طاعت اولی الامر است .

بعد امام باقر (ع) فرمود که حب ما ایمان و بغض ما کفر است .

حدیث بیست و یکم

اثنی عشریه ص ۱۶۹

قال الصادق (ع) اوحی الله تعالی آدم (ع) یا آدم انی اجمع لک الحکمه فی اربع کلمات . واحده لی و واحده لک و واحده فیما بینی و بینک و واحده بینک و بین الناس

فاما التی فتعبدنی لاتشرک بی شیئا . و اما التی لک فاجازیک بعملک احوج ما تکون الیه و اما التی فیما

بینی و بینک فعلیک الدعا و علی الاجابه

و اما التی بینک و بین الناس فترضی للناس ما ترضی لنفسک .

ترجمه :

حضرت صادق (ع) فرمود که خداوند تعالی وحی فرمود بسوی آدم ای آدم بدرستیکه من جمع می کنم برای تو حکمت را در چهار کلمه :

یکی برای من است و یکی برای تو است و یکی ما بین من و تست و یکی ما بین تو و مردم است .

اما آن چیزی که برای من است پس این است که عبادت کنی مرا و شرک نیاوری

و اما آنچیزیکه برای تو است پس جزا میدهم تو را بمقابل عملت وقتیکه کمال احتیاج را به آن داری

و اما آنکه ما بین من و تو است پس بر تست دعا کردن و بر من است اجابت نمودن

و اما آنکه ما بین تو و مردم است پس بخواه برای مردم آنچه برای خود میخواهی .

حدیث بیست و دوم

۱۷ بحار الانوار ص ۱۸۰

نقل من خط الشهید (ره) قیل للصادق علی ماذا بنیت امرک .

فقال (ع) علی اربعه اشیاء

علمت ان عملی لا یعلمه غیری فاجتهدت

و علمت ان الله عزوجل مطلع علی فاستحییت و علمت ان رزقی لا یاکله غیری فاطمانت و علمت ان اخر امری الموت فاستعددت

ترجمه :

گفته شد بحضرت صادق (ع) که بر چه بنا کردی امر خود را . فرمود بنا کردم امر خود را بر چهار چیز :

اول دانستم که عمل مرا دیگری بجا نمی آورد پس خودم کوشش نمودم که بجا آورم

دوم دانستم که خداوند تعالی از حال من مطلع و با خبر است پس حیا میکنم که معصیت کنم او

را

سوم دانستم که روزی مرا دیگری نمی خورد پس اطمینان خاطر پیدا کردم .

چهارم دانستم که آخر کار من مردن است پس مهیای مردن شدم

حدیث بیست و سوم

خصال ص ۱۵۳

عن ابی عبدالله (ع) قال ست خصال ینقع بها المومن بعد موته . و لد صالح یستعفر له و مصحف یقرء فیه و قلیب یحضره و غرس یغرسه و صدقه ماء یجربه و سنه حسنه یوخذ بها بعده

ترجمه :

حضرت صادق (ع) فرمود که شش خصلت است که مومن منتقع میشود به آنها بعد از مردنش .

اول فرزند صالحیکه استغفار نماید برای او . دوم مصحفی که تلاوت نمایند . سوم چاهیکه حفر کرده باشد برای انتفاع مردم . چهارم درختیکه در زمین کاشته باشد آنرا . پنجم صدقه آبیکه جاری کرده باشد . ششم سنت حسنه ای که بعد از خودش مردم باو عمل نمایند . مولف گوید راجع به این شش چیز و آثار آنها بعد از مردن اخبار مختلفه و حکایات عجیبه ای در کتب اخبار نقل شده که ذکر آنها از وضع این مختصر خارج است و ما اکثر آنها را در فوائد القمیه نقل کرده ایم مناسب است نقل این حکایت معروف .

منتخب التواریخ ص ۸۲۲

حضرت عیسی (ع) گذشت بقبری دید ملائکه عذاب صاحب قبر را عذاب میکنند . بعد از مدتی باز از آن راه عبور فرمود دید ملائکه رحمت را که با آنها است طبقهائی از نور بر سر آن قبر تعجب فرمود و از خداوند خواست بر او کشف شود .

پس خدا وحی فرمود باو ای عیسی این بنده معصیت کار بود و وقت مردن

زوجه او حامله بود آن طفل متولد شد و بزرگ شد و مادرش او را تسلیم نمود بمعلم .

و معلم تلقین نمود بسم الله الرحمن الرحیم را پس من حیا کردم از بنده ام که او را در شکم زمین عذاب کنم و حال آنکه فرزندش بر روی زمین نام مرا بر زبان جاری کرد .

و نظیر همین حکایت حکایت دیگری است که از آن حضرت نقل شده الا اینکه در آخر آن دارد که وحی رسید یا روح الله از برای صاحب این قبر فرزند صالحی بود که راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد پس آمرزیدم او را بسبب این دو عمل فرزندش . و نعم ما قال فی المقام :

زینت دنیات ای نیکو صفات

مال و اولاد است در حال حیات

بعد مردن هم نبی در حقشان

گفت هم الباقیات الصالحات

نعمتی بالاتر از اولاد نیست

از برای مومنین و مومنات

در جهان اولاد صالح بهر تست

مایه غفران و اسباب نجات

و دیگری گفته :

زنده است کسی که در دیارش

باشد خلفی بیادگارش

حدیث بیست و چهارم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۰۶

و قال عبدالمومن الانصاری دخلت علی الامام ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) و عنده محمد بن عبدالله الجعفری فتبسمت الیه فقال اتحبه فقلت نعم و ما احببته الا لکم .

فقال (ع) هو اخوک و المومن اخو المومن لامه و ابیه و ان لم یلده ابوه ملعون من اتهم اخاه ملعون من غش اخاه ملعون من لم

ینصح اخاه ملعون من اغتاب اخاه

ترجمه :

عبدالمومن انصاری گوید که وارد شدم بر حضرت موسی ابن جعفر (ع) و در حضور حضرت بود محمد بن عبدالله جعفری پس

بسوی او تبسم نمودم

حضرت فرمود آیا او را دوست میداری عرض کردم بلی دوست میدارم برای خاطر شما .

پس فرمود او برادر تو است و مومن برادر مومن است و اگر چه پدر آنها یکی نباشد بعد فرمود :

ملعون است کسیکه متهم نماید برادر خود را . ملعون است کسیکه فریب دهد برادر خود را . ملعون است کسیکه نصیحت نکند برادر خود را . ملعون است کسیکه غیبت نماید برادر خود را .

حدیث بیست و پنجم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۰۰

یا هشام المتکلمون ثلاثه فرابح و سالم و شاجب فاما الرابح فالذکرلله و اما السالم فالساکت .

و اما الشاجب فالذی یخوض فی الباطل ان الله حرم الجنه علی کل فاحش بذی قلیل الحیاء لایبالی ما قال و لا ما قیل فیه .

ترجمه :

امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود ای هشام تکلم کنندگان سه طایفه اند :

اول رابح

دوم سالم

سوم هالك

اما رابح پس آن ذکر کننده برای خدا است و اما سالم پس آن ساکت شونده از کلام باطل و بیهوده است و اما هالك پس آن کسی است که خوض در باطل میکند و کلام بیهوده میگوید بدرستیکه خدایتعالی حرام فرموده بهشت را بر هر فحش دهنده بی شرم قلیل الحیا که باك ندارد از آنچه بگوید و از آنچه گفته شود درباره او .

حقیر گوید روایات بسیاری راجع بحفظ زبان وارد شده است واینکه صلاح انسان در حفظ لسان است و هلاکت او از سه چیز است و ما تبرک میجوئیم بذکر یک روایت .

وقایع الایام ص ۲۹۷

قال رسول الله (ص) هلاك المر فی ثلاث فی قبقبه و ز بذبه و

لقلقه .

رسول خدا (ص) فرمود که هلاکت مردم در سه چیز است در شکم و شهوت و زبان .

حدیث بیست و ششم

بحار الانوار ص ۲۰۴

قال موسی بن جعفر (ع) وجدت علم الناس فی اربع اولها ان تعرف ربک و الثانیه ان تعرف ما صنع بک و الثالثه ان تعرف ما اراد منک و الرابعه ان تعرف ما یخرجک من دینک .

ترجمه :

امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود که یافتم علم مردم را در چهار چیز :

اول شناختن پروردگار خود .

دوم شناختن آنچه با تو بجا آورده از دادن نعمتها

سوم شناختن آنچه از تو خواسته از اداء واجبات و ترک محرمات

چهارم شناختن آنچه تو را از ین بیرون میبرد و آن عبارت است از انکار یکی از ضروریات دین اسلام .

مخفی نماند که مرحوم صدوق در خصال این روایت را از حضرت صادق (ع) نقل فرموده مراجعه شود .

حدیث بیست و هفتم

عیون اخبار الرضا (ع) ص ۲۵۶

عن الحارث بن الدلهاث مولی الرضا (ع) قال سمعت ابا الحسن (ع) یقول لا یکون المومن مومنا حتی یکون فیه ثلاث خصال سنه من ربه و سنه من نبیه و سنه من ولیه .

فالسنه من ربه کتمان سره قال الله عزوجل عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا ارتضی من رسول

و اما السنه من نبیه فمداراه الناس فان الله عزوجل امر نبیه (ص) بمداره الناس فقال خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین .

و اما السنه من و لیه فالصبر فی الباسا و الضراء فان الله عزوجل یقول و الصابرین فی الباساء و الضراء

ترجمه :

امام هشتم حضرت رضا (ع) میفرماید که مومن نمی باشد مومن مگر اینکه در او سه خصلت باشد

:

یک سنت از پرودگار خود و یک سنت از پیغمبر خود و یک سنت از امام خود .

اما سنت از پروردگارش پس آن کتمان سر او است که خداوند عزوجل فرماید خدا عالم الغیب است اظهار نمیکند بر غیب خود احدیرا مگر کسی را که انتخاب کند از پیغمبر و رسول .

و اما سنت از پیغمبرش پس آن مدارا کردن با مردم است بدرستیکه خداوند عزوجل امر فرمود پیغمبر خود را بمدارا کردن با مردم .

پس فرمود بگیر عفو را و امر بمعروف کن و از مردمان جاهل اعراض کن .

و اما سنت از امام خود پس آن صبر نمودن در فقر و بیماری است که خداوند عزوجل میفرماید و الصابرین - الایه .

حدیث بیست و هشتم

خصال ص ۵۱

یاسر الخادم قال سمعت ابا الحسن الرضا (ع) یقول ان اوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن .

یوم یولد و یخرج من بطن امه فیری الدنیا

و یوم یموت فیری الاخره و اهلها . و یوم یبعث فیری احکاما لم یرها فی دار الدنیا و قد سلم الله عزوجل علی یحیی فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته . فقال و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا . و قد سلم عیسی بن مریم (ع) علی نفسه فی هذه الثلاثه المواطن فقال و السلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیا .

سوره مریم آیه ۱۵ و ۳۳

ترجمه :

یاسر خادم گوید شنیدم از حضرت رضا (ع) که میفرمود پر وحشت ترین جاهای این مردم سه جا است .

اول روزیکه از مادر متولد میشود

و این عالم را می بیند . دوم روزیکه میمیرد و آخرت و اهل آنرا می بیند . سوم روزیکه مبعوث میشود پس می بیند احکامی را که در دنیا ندیده است .

و بتحقیق که سلام فرموده خداوند عزوجل بر حضرت یحیی (ع) در این سه مقام وایمن فرموده ترس او را پس فرموده سلام علیه – الایه .

و هم سلام کرده حضرت عیسی (ع) بر خودش در این سه مقام و گفته و السلام علی – الخ .

حدیث بیست و نهم

انوار البهیه ص ۱۰۹

عن عبدالعظیم الحسنی (ره) عن ابی الحسن الرضا (ع) قال یا عبدالعظیم ابلغ عنی اولیائی السلام و قل لهم ان لا یجعلوا للشیطان علی انفسهم سبیلا و مرهم بالصدق فی الحدیث و اداء الامانه و مرهم بالسکوت و ترک الجدال فیمالا یعنیهم و اقبال بعضهم علی بعض و المزاوره فان ذلک قربه الی و لا یشغلوا انفسهم بتمزیق بعضهم بعضا فانی آلیت علی نفسی انه من فعل ذلک و اسخط ولیا من اولیائی دعوت الله لیعذبه فی الدنیا اشد العذاب و کان فی الاخره من الخاسرین .

ترجمه :

عبدالعظیم حسنی گوید که حضرت رضا (ع) فرمود ای عبدالعظیم بدوستان من سلام برسان و بگو بایشان که باید قرار ندهند برای شیطان بر ضرر خودشان راهی را . و امر نما آنها را براست گفتن در حدیث و اداء امانت نمودن و امر نما آنها را بسکوت از کلام باطل وترک کردن مجادله در چیزیکه فایده نمیدهد آنها را .

و هم امر کن آنها را باقبال ورو آوردن بعضی از آنها ببعض دگر و زیارت

کردن یکدیگر پس بدرستیکه در این امور وسیله تقرب است بسوی من .

و باید مشغول نکند خود را بپاره کردن و خورد نمودن یکدیگر .

بدرستیکه من قسم خوردم بجان خودم که هر که بجا آوردن این را و باعث تفرقه و جدائی گردد و بغضب بیاور دوستی از دوستان مرا بخوانم خدا را تا اینکه عذاب کند او را در دنیا بسخت ترین عذاب و بوده باشد در آخرت از جمله زیانکاران .

حدیث سی ام

منتهی الامال ص ۲۲۹

قال (ع) المومن یحتاج الی ثلاث خصال : توفیق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ینصحه .

ترجمه :

امام نهم حضرت جواد الائمه (ع) فرمود که مومن محتاج است به سه خصلت .

اول توفیق از طرف خدا .

دوم واعظ از جانب خود که پیوسته او را موعظه کند .

سوم قبول کردن نصیحت از کسیکه او را نصیحت نماید .

حدیث سی و یکم

جنات الخلود جدول احوال حضرت جواد الائمه (ع) قال (ع) و من وثق بالله اراه السرور و من توکل علی الله کفاه الامور .

ترجمه :

امام نهم حضرت جواد (ع) فرمود هر که اعتماد نماید بخدا بنمایاند خدا باو سرور و خوشحالی را و هر که توکل کند بر خدا کفایت فرماید خدا امور او را

حدیث سی و دوم

ایضا جنات الخلود جدول الحوال حضرت جواد قال (ع) و الذین عز و العلم کنز و الصمت نور .

ترجمه :

حضرت جواد (ع) فرمود که دین عزت است و علم گنج است و سکوت نور است .

درباره دین گفته است :

سرمایه جاودانی دین است

پیرایه فقر و پادشاهی دین است

داروی دوای پرگناهی دین است

القصه ره نجات خواهی دین است

و درباره علم گفته شده :

علمت بکمال معرفت راه دهد

علمت تن پاك و جان آگاه دهد

گر چاه طلب کنی ترا جاه دهد

ور حق طلبی بقاء بالله دهد

و درباره سکوت گفته شده :

نظر کردم برای چشم و تدبیر

ندیدم به ز خاموشی خصالی

نگویم لب ببند و دیده بر دوز

و لیکن هر مقامی را مقالی

حدیث سی و سوم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۱۴

قال (ع) الناس فی الدنیا بالاموال و فی الاخره بالاعمال .

ترجمه :

امام دهم حضرت هادی (ع) فرمود که مردم در دنیا بواسطه اموال عزیزند و در آخرت بوسیله اعمال صالحه و کارهای خوب

.

حدیث سی و چهارم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۱۴

و قال (ع) اذکر مصرعک بین یدی اهلك فلا طبیب یمنعك و لا حبیب ینفعك .

ترجمه :

امام دهم حضرت هادی (ع) فرمود که یاد کن آنوقتی را که افکنده شده ای مقابل اهل خود پس طبیبی نیست که منع کند ترا از مردن و نه دوستی که نفع رساند ترا در آن حال .

مولف گوید که حضرت در این فرمایش اشاره فرموده بحال احتضار که یکی از آن سه حالت و مقامی است که در حدیث بیست و هشت گذشت و خداوند تعالی در قرآن مجید فرموده وجائت سکرت الموت بالحق ذلك ماکنت منه تحید و این حالتی است بسیار دشوار که شدائد و سختیها از هر طرف بمحتضر رو میکند که در روایات بیان شده است :

و چیزهائیکه برای آسانی سکرات موت نافع است بسیار است که از آنجمله صله رحم و احسان بوالدین است و ما بذکر یک روایت تبرک میجوئیم :

عن الصادق (ع) قال من احب ان یخفف الله عزوجل عنه سکرات الموت فلیکن لقرابته وصولا و بوالدیه بادا فاذا کان کذلك هون الله علیه سکرات الموت و لم یصبه فی حیوته فقرا ابدا .

سفینه البحار ص ۵۵۲

حضرت صادق (ع) فرمود هر که خواهد که حقتعالی بر او آسان کند سکرات مرگ را پس باید صله رحم کند

و بپدر و مادر خود نیکی و احسان نماید .

پس هرگاه چنین کند خداوند بر او آسان کند دشواریهای مرگ را و در حیات خود فقری باو نرسد هرگز

حدیث سی و پنجم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۱۶

و قال (ع) اذکر حسرات التفریط باخذ تقدیم الحزم .

ترجمه :

امام دهم حضرت هادی (ع) فرمود یاد کن اندوه های تقصیر خود را باخذ و مقدم داشتن احتیاط .

زیرا احتیاط در هر کاری انسان را از حسرتها جلوگیری میکند بخلاف عدم احتیاط که دائما آدمی در اندوه و غصه است .

و چه خوب گفته است :

یک لحظه هوسرانی یک عمر پشیمانی

این نکته ز من بشنو گر تابع قرآنی

حدیث سی و ششم

مصباح المتهجد ص ۱۵۵

فروی عن ابی محمد العسکری (ع) انه قال علامات خمس :

صلوه الاحدی و الخمسین و زیاره الاربعین و التختم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم .

ترجمه :

امام یازدهم حضرت عسکری (ع) فرمود که علامات مومن پنج چیز است :

پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گزاردن

و زیارت اربعین کردن و انگشتر بر دست راست کردن و جبین را در سجده برخاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن .

حدیث سی و هفتم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۱۷

و قال (ع) انکم فی آجال منقوصه و ایانم معدوده و الموت یاتی بغته من یزرع خیرا یحصد غبطه و من یزرع شرا یحصد ندامه لکل زارع مازرع لایسبق بطی بحظه و لا یدرک حریص مالم یقدرله .

من اعطی خیرا فالله اعطاه و من وقی شرا فالله و قاه

ترجمه :

امام یازدهم حضرت عسکری (ع) فرمود بدرستیکه اجل و عمرهای شما در کوتاهی است و روزهای شما شمرده شده است (و آن سه روز است روزهای گذشته و روزهای آینده و روزیکه در او هست چنانچه در یکی از خطبات حضرت امیر المومنین مفصلا بیان فرموده است)

و مرگ ناگهان می آید هر که زراعت کند خوبی را میچیند غبطه و فایده را و هر که زراعت کند بدی را می چیند ندامت و پشیمانی را .

شاید کنایه از کار خوب و بد باشد یعنی هر که کار خوب کند ثواب دارد و هر که کار بد کند عقاب دارد .

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر

کی نور چشم

من بجز از کشته ندروی

برای هر زراعت کننـده است آنچه زراعت نمایـد . عقب نمیمانـد و مسـبوق واقع نمی شود هیچ بطی و کندی از بهره و نصـیب خود و ادارك نمیکند هیچ حریصی چیزیرا که برای او مقدر نشده .

هر که عطا شود باو خیر و خوبی پس خدا عطا کرده او را و هر که نگاه داشته شود از شر وبدی پس خدا نگاهداشته او را .

حدیث سی و هشتم

۱۷ بحار الانوار ص ۲۱۸

و قال (ع) جعلت الخبائث فی بیت و جعل مفتاحه الکذب .

ترجمه :

امـام یـازدهم حضـرت عسـکری (ع) فرمود که قرار داده شـده خبائث و گناهان در یک خانه و قرار داده شـد کلیـد آن دروغ گفتن .

مولف گویـد که چنـد چیز کلیـد بـدیها است از جمله غضب است . امـام صادق (ع) فرمود الغضب مفتاح کل شـر و از جمله دروغ گفتن است که در این روایت کلید همه گناهان قرار داده شده است .

و اخبار بسـیاری در مـذمت دروغ و ضـرر آن و هم در مـدح صـدق و راسـتگوئی آن وارد شـده و ما بـذکر یك روایت تبرك میجوئیم .

عن ابی عبدالله (ع) قال من صدق لسانه زکی عمله و من حسنت نیته زاد الله فی رزقه و من حسن بره باهله زاد الله فی عمره

خصال ص ۴۲

حضـرت صادق (ع) فرمود که هر که راسـتگو باشد قبول شود عمل او و هر که نیکو باشد نیت او خدا زیاد کند روزی او را و هر که نیکو باشد برو خوبی او باهلش خدا زیاد کند عمر او را .

و همانطور که

قبول می شود اعمال صادقین بالعکس عمل دروغ گویان مقبول واقع نمی شود و گـذشت در حـدیث هفـدهم که با پنـج طایفه نباید رفاقت نمود که از جمله آنها دروغگو بود .

حدیث سی و نه

احتجاج ص ۲۴۶

محمد بن یعقوب الکلینی عن اسـحق بن یعقوب قال سـئلت محمد بن عثمان العمروی رحمه الله ان یوصل لی کتابا قد سئلت فیه عن مسائل اشکلت علی .

فورد التوقیع بخط مولانا صاحب الزمان (ع) اما ما سـئلت عنه ارشـد ؟ الله و ثبتک و وقاک من امر المنکرین لی من اهل بیتنا و بنی عمنا .

فاعلم انه لیس بین الله عزوجل و بین احد قرابه و من انکرنی فلیس منی و سبیله سبیل ابن نوح (ع)

و اما سبیل عمی جعفر و ولده فسبیل اخوه یوسف (ع) واما الفقاع فشربه حرام و لاباس بالشلماب .

و امـا اموالکم فلاتقبلهـا الا لتطهروا فمن شاء فلیصل و من شاء فلیقطع و ما اتا نا الله خیر مما اتاکم . و اما ظهور الفرج فانه الی الله و کذب الوقاتون . و اما قول من زعم ان الحسین (ع) لم یقتل فکفر و تکذیب و ضلال .

و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله (علیهم نسـخه کمال الدین) الی ان قال (ع)

و اما المتلبون باموالنا فمن استحل منها شیئا فاکله فانما یاکل النیران .

و اما الخمس فقد ابیح لشیعتنا و جعلوا منه فی حل الی وقت ظهور امرنا لتطیب ولادتهم و لا تخبث .

و اما ندامه قوم شکوا فی دین الله علی ما و صلونا به

فقد اقلنا من استقال فلا حاجه لنا الی صله الشاکین .

و اما علة ماوقع من الغیبه فان الله عزوجل یقول یا ایها الذین آمنوا لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسوکم انه لم یکن احد من آبائی الا و قد وقعت فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه و انی اخرج حین اخرج و لا بیعه لاحد من الطواغیت فی عنقی .

و اما وجه الانتقاع بی فی غیبتی فکالا نتقاع بالشمس اذا غیبها عن الابصار السحاب و انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء .

فاغلقوا ابواب السوال عما لایعنیکم و لا تتکلفوا علم ما قد کفیتم .

و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم . و السلام علیک یا اسحق بن یعقوب و علی من اتبع الهدی .

ترجمه :

محمد بن یعقوب کلینی از اسحق بن یعقوب روایت کرده که گفت سوال کردم از محمد بن عثمان عمروی (ره) اینکه برساند نامه مرا که سوال کرده بودم در آن از مسائلی که مشکل شده بود بر من .

پس وارد شد توقیع شریف بخط مولای ما حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

و اما ظهور فرج پس بدرستیکه امر آن بسوی خدا است و دروغ می گویند کسانیکه تعیین وقت ظهور کنند .

و اما حوادث واقعه پس رجوع کنید در آن بسوی روایت کنندگان حدیث ما زیرا آنها حجت منند بر شما و من حجت خدا هستم بر آنها . و دعا بسیار کنید برای تعجیل فرج بدرستیکه فرج شما در آن است . و سلام بر تو ای اسحق بن یعقوب و بر کسیکه متابعت نماید هدایت و دین حق را .

مولف گوید اصل توقیع شریف مشتمل بر ۱۷ جواب است که ۱۲ جواب آنرا ما نقل نمودیم .

ولیکن سه جمله از آنرا بیشتر ترجمه نکردیم چون اکثر جملات توقیع برای عامه مردم در ادراکش مشکل و از فهم آنها خارج بود .

حدیث چهلم

خصال ص ۱۱۴

عن جعفر بن محمد عن ابیه محمد بن علی عن ابیه علی بن الحسین عن ابیه الحسین علی (ع) قال ان رسول الله (ص) اوصی الی امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) و کان فیما اوصی به ان قال له .

یا علی من حفظ امتی اربعین حدیثا یطلب بذلک وجه الله عزوجل والدار الاخره .

حشره الله یوم القیمه مع النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا .

فقال علی (ع) یا رسول الله (ص) اخبر نی ما هذه الاحادیث .

فقال ان تومن بالله وحده لاشریک له وتعبده و لاتعبد غیره .

و تقیم الصلوه بوضوء سابغ فی مواقیتها و لاتؤ خر ها فان فی تاخیرها من غیر عله غضب الله عزوجل .

و تودی الزکوه و تصوم شهر رمضان و تحج البیت اذا کان لک مال و کنت مستطیعا .

و ان لاتعق و الدیک و لا تاکل مال الیتیم ظلمنا .

و لا تاکل الربا .

و لا تشرب الخمر و لا شیئا من الاشربه المسکره . و لاتزنی و لا تلوط و لا تمشی بالنمیمه و لا تخلف بالله کاذبا .

و لا تسرق . و لا تشهد شهاده الزور لاحد قریبا اوکان بعیدا . و ان تقبل الحق فمن جاء به صغیرا کان او کبیرا . و ان لا ترکن الی ظالم

و ان کان حمیما قریبا . و ان لاتعمل بالهوی .

و لا تقذف المحصنه .

و لا ترائی فان ایسر الریاء شرک بالله عزوجل . و ان لاتقول لقصیر یا قصی و لا لطویل یا طویل ترید بذلک عیبه .

و ان لاتسخر من احد من خلق الله . و ان تصبر علی البلاء و المصیبه . و ان تشکر نعم الله التی انعم بها علیک . و ان لاتامن عقاب الله علی ذنب نصیبه . و ان لاتقنط من رحمه الله . و ان تتوب الی الله عزوجل من ذنوبک فان التائب من ذنوبه کمن لاذنب له و ان تصر علی الذنوب مع الاستغفار فتکون کالمستهزی ء بالله و آیاته و رسله .

و ان تعلم ان ما اصابک لم یکن لیخطئک و ان ما اخطاک لم یک لیصیبک .

و ان لاتطلب سخط الخالق برضا المخلوق . و ان لاتؤ ثر الدنیا علی الاخره لان الدنیا فانیه و الاخره باقیه .

و ان لاتبخل علی اخوانک بما تقدر علیه .

و ان تکون سریر تک کعلانیتک و ان لا تکون علانیتک حسنه و سریرتک قبیحه فان فعلت ذلک کنت من المنافقین . و ان لاتکذب و ان لاتخالط مع الکذابین . و ان لا تغضب اذا سمعت حقا .

و ان تؤ دب نفسک و اهلک و ولدک و جیر انک علی حسب الطاقه . و ان تعمل بما علمت . و لا تعاملن احدا من خلق الله عزوجل الا بالحق و ان تکون سهلا للقریب و البعید و ان لاتکون جبارا عنیدا .

و ان تکثیر من التسبیح و التهلیل و الدعاء و ذکر الموت و ما بعده من القیمه

و الجنه و النار . و ان تکثر من قرائه القرآن و تعمل بما فیه . و ان تستغنم البر و الکرامه بالمومنین و المومنات . و ان تنظر الی کل ما لا ـ ترضی فعله لنفسک فلا تفعله باحد من المومنین . و لا تمل من فعل الخیر . و لا تثقل علی احد . و لا تمن علی احد اذا انعمت علیه . و ان تکون الدنیا عندک سجنا حتی یجعل الله لک جنه فهذه اربعون حدیثا فمن اسقام علیها و حفظها عنی من امتی دخل الجنه برحمه الله و کان من افضل الناس و احبهم الی الله عزوجل بعد النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا .

ترجمه :

امام ششم حضرت صادق (ع) از آباء گرام خود نقل فرموده که رسول خدا (ص) وصیت فرمود بسوی حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) و فرمود در ضمن وصیت خود یا علی هر که حفظ نماید از امت من چهل حدیث را که طلب نماید به آن رضایت خداوند عزوجل و دار آخرت را . خدا محشور فرماید او را در روز قیامت با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و آنها نیکو رفیقانی هستند . پس عرض کرد حضرت علی (ع) یا رسول الله خبر ده مرا که آن احادیث چه باشد . پس فرمود : ایمان آوردن بخداوندیکه یگانه است و شریک ندارد و عبادت کنی او را و غیر او را عبادت نکنی . و اقامه نماز نمودن با وضوء کامل در وقت خودش و تاخیر نیاندازی آنرا که

در تاخیر نماز بـدون عذر غضب خداوند عزوجل است . واداء کنی زکوه را . و ماه رمضان را روزه بگیری . و حج خانه خدا را بجا آوری در صورت اسـتطاعت و عاق والـدین نباشـی یعنی پدر و مادر را از خود نرنجانی . و ظلما مال یتیم را نخوری . و ربا نخوری . و خمر و هیچیک از اشـربه مسـکره را نیاشامی . و زنا و لواط نکنی و سخن چینی و نمامی ننمائی . و قسم دروغ بخدا نخووی . و سرقت و دزدی ننمائی .

و شـهادت دروغ ندهی برای احدی خویش باشد یا بیگانه . و حق را قبول کنی از هر که بیاورد آنرا صغیر باشد . یاکبیر . و میل و رکون بظالم نکنی اگر چه خویش نزدیک باشـد . و بهوی و هوس عمل ننمائی . و نسـبت زنا بزن عفیفه نـدهی . و ریا نکنی زیرا اقل ریاء شـرک بخداونـد عزوجل است . و نگوئی بکوتاه قامت یا قصـیر و بلند قامت یا طویل اراده کنی باین عبارت عیب او را .

و مسـخره و اسـتهزاء نکنی احدی از خلق خدا را و صابر باش بر بلاء و مصـیبت . و شکر کن نعمتهای خدا را که بتو انعام کرده است . و از عقاب خدا ایمن مباش بواسطه گناهیکه کرده ای . و از رحمت خدا ناامید مباش . و توبه و بازگشت کن از گناهان خود بسوی خداوند عزوجل زیرا توبه کننده از گناهان خود مثل کسی است که گناه ندارد .

و اصرار بر گناهان مکن با استغفار پس خواهی بود مانند استهزاء کننده بخدا

و آیات و پیغمبران او . و بدانکه آنچه بهره تو شده است از دست تو نخواهد رفت و آنچه از دستت رفت بتو نخواهد رسید . و غضب خالق راطلب نکنی بواسطه رضایت مخلوق و اختیار نکنی و مقدم ندارد دنیا را بر آخرت برای اینکه دنیا فانی است و آخرت باقی است . و بخل نورزی بر برادران خود به آنچه قدرت داری . باطن و ظاهرت یکی باشد خوش ظاهر و بد باطن مباش که اگر چنین باشی از جمله منافقین خواهی بود . و دروغ نگو و با دروغگویان هم رفاقت مکن . و هرگاه حق را شنیدی غضب مکن . و ادب کن خودت را و اهل خود و همسایگانت را بمقدار طاقت و توانائی خودت . و عمل کن به آنچه میدانی . و معامله مکن با احدی از خلق خداوند عزوجل مگر بحق و راستی . و با خویش و بیگانه خوشرفتار باش و جبار معاند نباش . و بسیار سبحان الله و لااله الا الله بگو .

و بسیار دعا کن . و بسیار یاد کن مرگ و مردن و ما بعد آن را قیامت و بهشت و جهنم را .

و بسیار قرآن بخوان و عمل کن به آنچه در او هست . و غنیمت شمر نیکی و کرامت را بمردان مومن و زنان مومنه . و ملاحظه کن هر چه را برای خود نمی پسندی پس بجا نیاور باحدی از مومنین . و از فعل خیر ملول و خسته نشو . وبار وکل بر احدی نباش . و بر احدی منت نگذار هرگاه انعام کنی بر او

. و دنیا را نزد خود زندانی بدان تا خدا قرار دهد برای تو بهشت را .

پس این چهل حدیث است که هر که استقامت نماید بر آنها و حفظ کند آنها را از امت من وارد بهشت شود بواسطه رحمت خدا . و بوده باشد از افضل مردمان و محبوب ترین آنها بسوی خداوند عزوجل بعد از انبیاء و اوصیاء . و محشور کند خدا او را در روز قیامت با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و آنها نیکو رفیقانی هستند .

خاتمه (در بیان چند مطلب است)

اول

مطلب اول در احادیثی که مشتمل بر مواعظ کثیره و فوائد بسیاری است :

موعظه حضرت امیر المومنین (ع) بنوف بکالی که یکی از اصحاب بزرگوار و مشتمل بر ۱۵ جمله است .

ترجمه :

صدوق (ره) بسند خود از نوف بکالی روایت کرده که گوید حضور حضرت امیر المومنین (ع) رسیدم و حال آنکه آنحضرت در فضای مسجد کوفه بود پس عرض کردم السلام علیك یا امیر المومنین و رحمه الله و برکاته .

فرمود و علیک السلام و رحمه الله و برکاته . عرض کردم یا امیر المومنین مرا موعظه بفرمائید . فرمود یا نوف احسان کن با بسوی تو احسان شود . عرض کردم زیاد کن مرا یا امیرالمومنین (ع) . فرمود رحم کن تا رحم کرده شوی . عرض کردم زیاد کن مرا یا امیرالمومنین (ع) فرمود یا نوف بگو خیر را تا بخیر و خوبی یاد کرده شوی . عرض کردم زیاد کن مرا یا امیرالمومنین (ع) فرموده اجتناب کن از غیبت کردن زیرا غیبت نان خورش

سگهای جهنم است . پس فرمود ای نوف دروغ میگوید کسیکه گمان دارد حلال زاده است و حال آنکه میخورد گوشتهای مردم را بغیبت کردن .

و دروغ میگوید کسیکه گمان دارد حلال زاده است و حال آنکه دشمن دارد مرا و دشمن دارد ائمه ای از فرزندان مرا . و دروغ میگوید کسیکه گمان دارد حلال زاده است و حال آنکه دوست دارد زنا را .

و دروغ میگوید کسیکه گمان دارد که میشناسد خداوند عزوجل را و حال آنکه جرئت میکند بر معصیتهای خداوند در هر روز و شب .

یا نوف قبول کن وصیت مرا نقیب و عریف و گمرک چی و برید نباش .

یا نوف صله رحم کن تا خدا عمر ترا زیاد کند . و نیکوکن خلق خود را تا خدا سبک گرداند حساب تو را . ای نوف اگر میخواهی با من باشی در روز قیامت پس یاور ظالمین نباش . یا نوف هر که دوست دارد ما را در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر مردی دوست دارد سنگی را هر آینه خداوند او را با آن محشور نماید . یا نوف بپرهیز از اینکه زینت کنی برای مردم ولکن مبارزه نمائی با خداوند تعالی بمعصیت نمودن که اگر اینطور باشی خدا تو را رسوا نماید در روزیکه ملاقات کنی او را . یا نوف حفظ کن از من آنچه را که گفتم برای تو تا بخیر دنیا و آخرت نائل شوی .

دوم

در وصیت حضرت رسول خدا (ص) بحضرت امیر المومنین که مشتمل بر ۱۲ جمله است .

مرحوم صدوق رحمه الله بسند خود از حضرت صادق

(ع) از آباء گرام خود نقل فرموده از حضرت علی بن ابیطالب (ع) از رسول خدا (ص) که فرمود در وصیت خود به آن حضرت یا علی سه چیز درجات و سه چیز کفارات و سه چیز مهلکات و سه چیز منجیات است . اما درجات پس آن وضوء کامل در هوای سرد گرفتن و انتظار وقت نماز بعد از نماز کشیدن و در شب و روز بطرف جماعتها رفتن است .

و اما کفارات پس آن افشاء سلام کردن و خورانیدن طعام و تهجد و نماز شب خواندن است در موقعیکه مردم خوابند .

حقیر گوید نظیر این سه چیز است این حدیث شریف .

فرمودند رسول خدا (ص) که بهترین شما کسانی هستند که طعام بخورانند و سلام را اظهار و افشا کنند و نماز بخوانند و حال آنکه مردم خوابند . و اما مهلکات پس آن بخل مطاع و نافذ و هوای نفس که پیروی شود و عجب و خود پسندی است . و اما منجیات پس آن ترسیدن از خداوند در پنهان و آشکار و میانه روی در حال ثروت و فقر و کلمه حق و عادلانه گفتن در حال رضا و غضب است .

مولف گوید مانند این سه چیز است این حدیث شریف که ما آنرا برای تکثیر فایده نقل می نمائیم .

حضرت باقر العلوم (ع) فرمود که سلیمان بن داود (ع) گفت داده شدیم ما آنچه بمن داده شده و آنچه داده نشده اند عالم شدیم ما به آنچه مردم می دانند و آنچه نمی دانند .

پس نیافتیم ما چیزیراکه

افضل باشـد از ترسـیدن از خداونـد تعالی در پنهان و آشـکار و میانه روی در حال دارائی و نداری و گفتار حق در حال رضا و غضب و تضرع و زاری نمودن بسوی خداوند عزوجل در همه حال .

سیم

در قرار دادن خداوند عالمیان پنج چیز را در پنج چیز و طلب کردن مردم در پنج چیز دیگر .

روایت شـده از حضـرت پیغمبر اکرم (ص) که فرمود خداونـد تعالی فرموده بدرستیکه من قرار دادم پنج چیز را در پنج چیز و مردم طلـب میکننـد در پنـج چیز دیگر پس کی و چـه وقت می یابنـد آنرا یعنی ابـدا به آن نمیرسـند . اول بـدرستیکه قرار دادم عزت و بزرگی را در طاعت خودم و مردم طلب میکنند در ابواب سلاطین پس کی می یابند آنرا .

دوم و قرار دادم علم و حکمت را در گرسـنگی و مردم طلب میکنند در سیری پس کی می یابند آنرا . سوم و قرار دادم راحت را در بهشت و مردم طلب میکننـد در دنیا پس کی و چه وقت می یابند آنرا . چهارم و قرار دادم ثروت و توانگری را در قناعت و مردم طلب میکننـد در زیادی مال پس کی می یابند آنرا . پنجم و قرار دادم رضایت و خوشـنودی خودم را در مخالفت هوی و هوس و مردم طلب می کنند در مخالفت من پس کی می یابند آنرا .

مولف گوید نظیر حدیث مذکور این حدیث شریف است که برای تکثیر فایده بنقل آن تبرک میجوئیم .

حضرت صادق (ع) فرمود مقاصد و منظور مردم در این دنیای فانی چهار چیز

است :

ثروت و توانگری آسایش و راحتی کمی اندوه و فراغت خاطر عزت و بزرگی .

اما ثروت و توانگری پس موجود است در قناعت کردن هر کس طلب نماید آنرا در زیادی مال نمی یابد آنرا . و اما آسایش و راحتی پس موجود است در سبکباری پس هر کس طلب نماید در سنگینی بار نمی یابد آنرا .

و اما کمی اندوه فراغت خاطر پس موجود است در کمی شغل پس هر که طلب نماید آنرا در زیادی شغل نمی یابد آنرا و اما عزت و آقائی پس موجود است در فرمانبرداری خالق و خداوند تعالی پس هر که طلب نماید آنرا در خدمت مخلوق نمی یابد آنرا .

چهارم

در موعظه جبرئیل امین در حضور رسول خدا (ص) که مشتمل بر پنج جمله است .

امام ششم حضرت صادق (ع) فرمود که رسول خدا (ص) فرمود بجرئیل مرا موعظه کن .

عرض کرد یا محمد (ص) زنده باش هر چه میخواهی بدرستیکه تو میمیری . و دوست بدار هر چه را که میخواهی همانا از او جدا میشوی . و بجا بیاور هر چه را که میخواهی بدرستیکه ملاقات خواهی کرد پاداش آنرا . شرافت مومن نماز خواندن او است در شب . و عزت مومن صرفنظر نمودن او از عرض و آبروی مردم است .

پنجم

حضرت رسول خدا (ص) فرمود یا اباذر غنیمت بشمار پنج چیز را پیش از رسیدن پنج چیز دیگر : اول جوانی خود را پیش از پیرشدن . دوم سلامتی خود را پیش از بیمار شدن . سوم بی نیازی و توانگری خود را پیش از فقیر شدن . چهارم فراغت خود را پیش از گرفتار شدن . پنجم حیات و زندگانی خود را پیش از مردن

ششم

در وصیت حضرت رسول خدا (ص) حضرت امیر المومنین (ع) را بچهار چیز در وقت فرستادن آنحضرت را به یمن .

امام هشتم حضرت رضا (ع) از آباء گرام خود نقل فرموده که حضرت رسول خدا (ص) فرستاد حضرت علی (ع) را بسوی یمن (و وصیت فرمود او را بچهار چیز) فرمود یا علی وصیت میکنم ترا بدعا کردن زیرا اجابت در دعا کردن است . و وصیت میکنم ترابشکر کردن زیرا زیادتی نعمت در شکر کردن است . و نهی میکنم ترا از مکر و حیله زیرا که نمیرسد مگر مگر باهلش .

ونهی میکنم ترا از ظلم کردن زیرا هر که بر او ظلم شود خداوند یاری مینماید او را .

هفتم

در مردن دلها و مستجاب نشدن دعا بواسطه ده چیز .

در کتاب اثنی عشریه است که سوال کردند از حضرت رسول خدا (ص) برای چیست که میخوانیم خدا را پس مستجاب نمی کند دعای ما را و حال آنکه خداوند تعالی فرموده است ادعونی استجب لکم یعنی بخوانید مرا تا مستجاب کنم دعای شما را .

فرمود بدرستیکه دلهای شما مرده است بواسطه ده چیز :

اول بدرستیکه شما میشناسید خدا را پس ادا نمی کنید طاعت او را .

دوم بدرستیکه میخوانید قرآن را پس بان علم نمی کنید .

سوم ادعا میکند محبت رسول خدا را و حال آنکه دشمن دارید اولاد او را . چهارم ادعا میکند عداوت و دشمنی شیطان را و حال آنکه موافقت میکنید او را .

پنجم ادعا می کنید محبت بهشت را پس برای آن عمل نمی

کنید .

ششم ادعا می کنید ترسیدن از جهنم را و حال آنکه بدنهای خود را در آن می افکنید .

هفتم مشغول میشوید بعیبهای مردم در صورتیکه از عیوب خود غافلید .

هشتم ادعا می کنید بغض دنیا را و حال آنکه جمع می کنید آنرا .

نهم اقرار بمردن دارید لکن مهیا برای آن نمیشوید .

دهم دفن می کنید مردگان خود را پس از آنها عبرت نمی گیرید . پس از این جهت دعای شما مستجاب نمی شود .

هشتم

هر وقت در میان امت ده خصلت ظاهر شود خداوند تعالی عقاب می کند آنها را بده چیز .

حضرت رسول خدا (ص) فرمود هرگاه ظاهر شود در میان امت من ده خصلت خداوند تعالی عقاب نماید آنها را بده چیز .

گفته شد که آنها چیست یا رسول الله (ص) فرمود : هر وقت دعا کم کنند بلا نازل شود . و هرگاه ترک کنند صدقات را امراض زیاد شود . و هر وقت منع کنند زکوه را حیوانات هلاک شوند . و هرگاه پادشاه ظلم کند باران قطع شود . و هر وقت زنا میان آنها زیاد شود مرگ مفاجات و ناگهانی زیاد شود . و هرگاه ربا و سود پو ل زیاد شود زلزله زیاد شود . و هر وقت بخلاف ما انزل الله تعالی حکم کنند خداوند دشمن را بر آنها مسلط گرداند . و هرگاه عهد و پیمانرا بشکنند خدا آنها را بقتل مبتلا کند . و هر وقت کیل و وزن را کم دهند خداوند آنها را بگرانی گرفتار نماید . پس قرائت فرمود آیه ۴۱ سوره روم را .

یعنی ظاهر شود فساد در بیابان و دریا بواسطه بدی اعمال مردم تا بچشاند خدا به آنها جزای اعمال آنها را تا شاید از گناهان رجوع کنند و برگردند .

نهم

هرگاه خداوند عزوجل غضب کند برامتی و بر آنها عذاب نازل نشود هفت بلا بر آنها مسلط گردد .

اصبغ بن نباته از حضرت امیر المومنین (ع) نقل نموده که رسول خدا (ص) فرمود هرگاه خداوند عزوجل غضب نماید بر امتی و عذاب بر آنها نازل نشود . نرخهای آنها گران شود . و عمرهای آنها کوتاه گردد . و تاجرها فایده و سود نبرند .

و میوه های آنها پاکیزه و فراوان نشود . و نهرهای آنها سرشار نشود . و باران از آنها حبس و گرفته شود . و اشرار و بدان بر آنها مسلط گردند . خلاصه حدیث شریف این است که اگر عذاب بنیان کن مردم را هلاک نکند بواسطه گناه و معصیت بهفت بلا گرفتار شوند .

دهم

در افسوس خوردن مردگان و غبطه بردن آنها به پنج چیز .

در ارشاد القلوب است که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود هیچ شبی نیست مگر اینکه ملك الموت ندا میکند یا اهل القبور برای که و چه غبطه میخورید امروز و حال آنکه آشکارا دیدید امر آخرت را . مردگان در جواب گویند : ما غبطه و افسوس میخوریم بر مومنین که در مساجدشان نماز می خوانند و ما نمی خوانیم . و آنها زکوه میدهند و ما زکوه نمی دهیم . و آنها ماه رمضان را روزه می گیرند و ما روزه نمی گیریم . و آنها تصدق میدهند و ما نمی دهیم . و خدا را زیاد ذکر می کنند و ما ذکر نمی کنیم ، و پس واحسرتا بر آنچه فوت شد از ما در دار

دنیا حقیر گوید قبل از آنکه مرگ ما برسد و حسرت و افسوس ببریم بهتر آنکه در همین جا بیدار شویم و قدر واجبات و اعمال خیر و نعمتهای الهی را بدانیم زیرا که فردا بر اینگونه اعمال صالحه و نعم الهیه دسترسی نداریم .

بکوش امروز تا تخمی بکاری

که فردا بر جوی قدرت نداری

و مناسب همین مقام است :

عمرم در این جهان پی سود و زیان گذشت

عمر عزیز بین که چسان را یگان گذشت

یک روز در بهار گذشت و کنار گل

روز دگر بماتم گل در خزان گذشت

دردا که روزگار جوانی و خوشدلی

چون باد نوبهار و چو آب روان گذشت

و چه خوب فرموده ناصر الدین شاه در بیوفائی دنیا و با سرعت گذشتن دوران عمر .

در این دیر موحش در این دار فانی

نماند و نماند کسی جاودانی

عمارت چه سازی بجا نیست باقی

بخاکست کاخ انوشیروانی

کجا رفت ضحاک بی باک طاغی

چه شد کاوه و بیرق کاویانی

بیک تب بیک درد سر می نیارزد

قبای قبادی و تاج کیانی

جهان چون عروس اندر آغوشت آید

مپنداری وی را ببر یار جانی

تو ای ناصر الدین زمانی بخود آی

که روزی سر آید تو را زندگانی

یازدهم

در خطاب خداوند تعالی به بندگانش که شش چیز از جانب شما است .

از جمله احادیث قدسیه است که خداوند تعالی فرموده ای بندگان من شش چیز از من و شش چیز از شما است . اول بلاء از من و صبر و شکیبائی از شما است . دوم آمرزش از من و توبه نمودن از شما است . سوم روزی دادن از من و شکر نمودن از شما است . چهارم بهشت از من و فرمانبرداری از شما است

. پنجم قضا از من و راضی بودن از شما است . ششم اجابت نمودن از من و دعا کردن از شما است

دوازدهم

در فرمایش حضرت امیر المومنین (ع) که هر که دارای شش خصلت باشد اهل بهشت است نه اهل جهنم .

حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود هر که جمع نماید شش خصلت را وانگذارد از برای بهشت مطلبی را و نه از برای جهنم قرارگاهی را . هر که بشناسد خدا را پس اطاعت نماید او را . و بشناسد شیطانرا پس نافرمانی نماید او را . و بشناسد حق را پس پیروی کند او را . و بشناسد باطل را پس بپرهیزد و رها نماید او را . و بشناسد دنیا را پس واگذارد او را و بشناسد آخرت را پس طلب نماید او را .

سیزدهم

در چهار چیزیکه هر که منکر باشد از شیعیان نیست ؟

حضرت صادق (ع) فرمود از شیعه ما نیست هر کس چهار چیز را منکر باشد .

معراج و سوال و جواب در قبر و مخلوق بودن بهشت و جهنم و شفاعت .

توضیح :

مراد از معراج عروج حضرت رسول اکرم (ص) است بملاء اعلا در یکشب و دیدن آیات پروردگار عالمیان و تکلم نمودن خداوند تعالی با آنحضرت . و مراد از شفاعت ، شفاعت و وساطت حضرت خاتم الانبیاء (ص) و سایر پیغمبران و ائمه معصومین (ع) و مومنین است باذن پروردگار عالمیان در روز قیامت از اهل کبائر و معاصی از اهل توحید . و راجع باین چهار چیز که در حدیث شریف مذکور شد اخبار بسیاری وارد شده است که این مختصر گنجایش نقل آنها را ندارد طالبین بکتب مفصله مراجعه نمایند .

چهاردهم

در موعظه حضرت لقمان بفرزندش بچهار چیز :

حضرت لقمان فرمود بفرزندش ای فرزند عزیز من بدانکه من چهار صد پیغمبر را خدمت نمودم و از کلام آنها چهار جمله فرا گرفتم و آن چهار کلمه این است .

هر وقت در نماز باشی پس حفظ کن دل خود را . و هر وقت در خانه غیر باشی پس حفظ کن چشم خود را . و هرگاه در میان مردم باشی پس حفظ کن زبان خود را .

مولف گوید که کلمات حکمت آمیز لقمان بسیار و ضرب المثل است . و خداوند متعال یک سوره تمام در قرآن بنام سوره

لقمان بر حبیبش حضرت رسول اکرم (ص) نازل فرموده و در آن سوره

شش آیه راجع بکلمات حکمت آمیز آن بزرگوار بیان شده است . و در اخبار کلمات حکمت آمیز آنحضرت مختلف نقل شده .

بنا بر نقلی هفت هزار کلمه و بنا بر نقل دیگر چنانچه در نفخات الرحمن است ده هزار کلمه که هر کلمه از آن مساوی است با آنچه در این عالم است . و ما برای تکثیر فایده بنقل چند کلمه از کلمات حکمت آمیز آن حضرت تبرک میجوئیم

در قصص الانبیاء مرحوم سید نعمت الله جزائری است که فرمود حضرت لقمان بفرزندش .

ای فرزند عزیزم یاد گرفتم هفت هزار کلمه از حکمت را پس حفظ کن چهار چیز از آنها را و سیر کردن با من بسوی بهشت .

اول محکم کن کشتی خود را زیرا دریا عمیق است . دوم سبک کن بار خود را زیرا گردنه ها و منازل بسیار دشوار و هولناک است . سوم زیاد کن زاد و توشه خود را بدرستیکه سفر دور است .

چهارم خالص کن عمل خود را زیرا فاقد و بازرس عمل بینا است .

در تفسیر نفخات الرحمن است که حکایت شده که حضرت لقمان فرمود خدمت چهار هزار پیغمبر رسیدم و اختیار نمودم از کلمات ایشان هشت کلمه را .

اگر در نماز باشی حفظ کن دل خود را . و اگر در طعام و سر سفره باشی حفظ کن حلق خود را و اگر در خانه غیر باشی حفظ کن دو چشم خود را . و اگر در میان مردم باشی حفظ کن زبان خود را . و متذکر باش دو چیز را و فراموش کن دو چیز را . و اما آندو که باید

متذکر باشی آنها را پس آن یاد خداوند و مردن است .

و اما آندو که باید فراموش کنی آنها را پس آن احسان تو در حق غیر و دیگری بدی غیر در حق تو است .

گفته شد بلقمان که بچه چیز رسیدی باین پایه از حکمت .

گفت براستگوئی و اداء امانت کردن و ترک نمودن گفتار و کردار بی فایده

گفته شد که اول چیزیکه از حکمت لقمان ظاهر شد این بود که مولای او گفت ای لقمان گوسفندی را ذبح کن و پاکیزه ترین چیز او را بیاور . حضرت لقمان زبان و دل را آورد . گفت گوسفند دیگری ذبح کن و بدترین چیز او را بیاور . لقمان زبان و دل را آورد . پس مولای او تعجب کرد و گفت این چگونه می شود ؟ لقمان فرمود که هیچ چیز پاکیزه تر از این دو نیست اگر پاک باشند .

و بدتر از این دو نیست اگر خبیث و بد باشند . پس تحسین کرد کلام او را و آزادش نمود بعضی گفتند لقمان بسفری رفت چون بر گشت غلام خود راه دید . از پدر خود جویا شد گفت مرد گفت اختیارم با خودم شد . از مادر خود پرسید گفت مرد همی که داشتم بر طرف شد . گفت خواهرم چه شد گفت مرد گفت عورتم پوشیده شد . گفت زنم چه شد گفت مرد گفت بسترم تازه شد . گفت برادرم چه شد گفت مرد گفت کمرم دوتا شد و پروبالم شکسته شد . گفت پسرم چه شد گفت مرد گفت دلم پاره شد .

مولف گوید که از فرمایش حضرت لقمان

معلوم شد که هیچ مصیبت و داغی در بزرگی بداغ فرزند و برادر نمی رسد

در روز عاشورا بالین سر فرزندش حضرت علی اکبر فرمود .

بعد از تو خاک بر سر دنیا و زندگانی دنیا .

و چون برادر خود ابی الفضل العباس (ع) را با بدن پاره پاره و مجروح و فرق شکافته و دستهای مقطوع دید بگریست و فرمود :

اکنون کمرم شکست و تدبیر و چاره ام گسسته شد و امیدم منقطع گردید . و چه خوب گفته است در این مقام :

از من دو دست بر کمر و از تو بر زمین

دست دگر کجاست که خاکی بسر کنم

از من شکسته قامت و از تو بروی خاک

کوقامت دگر که خواهر زارت خبر کنم

چشم تو غرقه خون شده از من ز خوندل

کو دیده دگر که برویت نظر کنم

عباس خوس بخواب شدی راحت از جهان

اما بگو چه چاره من خونجگر کنم

پانزدهم

در اخبار حضرت رسول خدا (ص) از احوال مردمان آخر الزمان و گرفتاری آنها .

حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که بیاید بر مردم زمانیکه اکرام نمیکنند علما را مگر بجامه نیکو . و نمی شنوند قرآن را مگر بصوت خوب و خدا را عبادت نمی کنند مگر در ماه رمضان . برای زنهای آنها حیائی نیست . و برای فقرا آنها صبر و شکیبائی نیست . و برای ثروتمندان آنها سخاوتی نیست . بچیز کم قانع نمی شوند و بچیز زیاد سیر نمی شوند . همت آنها شکمهایشان است . و دین آنها درهم و پول است . و زنانشان قبله آنهاست و خانه آنها مسجدهای آنها است .

فرار می کنند از علما مثل فرار کردن گوسفند از گرگ .

پس هرگاه اینطور شدند و این صفات

در آنها پیدا شد خداوند مبتلا کند آنها را به خصلت و بلا .

اول برکت را از اموال آنها بردارد . دوم خداوند مسلط گرداند بر آنها سلطان ظالمی را . سوم بیرون میروند از دنیا بدون ایمان . مولف گوید که اخبار بسیاری از حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امیرالمومنین و ائمه طاهرین راجع به احوال و اوضاع مردمان آخر الزمان و علائم ظهور حضرت بقیه الله فی الارضین صاحب العصر و الزمان (ع) و حوادث دیگر تا روز قیامت رسیده است که آنها را اخبار غیبیه گویند . و علامه مجلسی رحمه الله تعالی در بحار الانوار در جلد ۶ و ۷ و ۹ و ۱۳ و سایر مجلدات آن نقل فرموده است و حقیر هم مقداری از آنها در فوائد القمیه نقل نموده ام . و چون این مختصر گنجایش ذکر آنها را ندارد به روایت اکتفا نموده کتاب خود را به آنها زینت می دهیم .

ام هانی که خواهر حضرت امیرالمومنین (ع) است از پیغمبر خدا (ص) روایت کرده که آن حضرت فرمود می آید بر مردم زمانی که هرگاه بشنوی اسم مردی را بهتر از آن است که ملاقات کنی او را .

و هرگاه ملاقات کنی او را بهتر است از آنکه تجربه و امتحان نمائی او را .

و اگر تجربه کنی او را اظهار کند برای تو حالاتی را . دین آنها درهم و پول است . و همت آنها شکمهای ایشان است و قبله آنها زنها است . برای پاره نانی رکوع و تواضع می کنند و برای درهم

و پول سجده می کنند . حیران و سرگردان و مستند نه مسلمانند آنها و نه فصاری . شیخ بزرگوار جناب احمد بن فهد حلی (ره) در کتاب تحصین از عبدالله بن مسعود روایت کرده است که فرمود حضرت رسول خدا (ص) که می آید البته بر مردم زمانیکه سالم نمی ماند برای صاحب دینی دینش مگر کسیکه فرار کند از جای بلندی دیگر و از سوراخی بسوراخ دیگر مانند روباه به آشیانه و لانه خود . اصحاب عرض کردند یا رسول الله (ص) آن زمان چه وقت خواهد بود .

فرمود زمانیکه نرسد او به معیشت و زندگانی مگر بمعصیت کردن خداوند تعالی .

پس در آن وقت حلال شود عروبت و زن نگرفتن . اصحاب عرض کردند یا رسول الله (ص) امر فرمودی ما را به ازدواج و زن گرفتن . فرمود آری ولکن هرگاه برسد آن زمان پس هلاک مرد بر دست والدین او خواهد بود .

پس اگر پدر و مادر ندارد بر دست زن و فرزندش خواهد بود پس اگر برای او زن و فرزندی نیست بر دست خویشان و همسایگان او خواهد بود اصحاب عرض کردند این چگونه خواهد بود یا رسول الله (ص) .

فرمود سرزنش می کنند او را برای تنگی معیشت و تکلیف می کنند او را بچیزیکه طاقت ندارد تا اینکه وارد می کنند او را در موارد هلاکت .

درکتاب جنه العالیه فرموده است که در یکی از مجامع معتبر است که از حضرت امیر المومنین (ع) روایت است که روزی جناب رسول خدا (ص)

در میان اصحاب خود نشسته بودند و میگریستند .

اصحاب از سبب گریه آن بزرگوار سوال نمودند آنجناب فرمود در این ساعت جابر بن عبدالله انصاری وارد شود و هفت خواب دیده باشد و از من تعبیر آنها را سوال نماید .

خوابهای جابر مرا بگریه در آورده است در این سخن بودند که جابر وارد شد . حضرت فرمودند یا جابر خوابهائی را که دیده ای خودت آنها را میگوئی یا من آنها را با تعبیر بیان کنم .

جابر عرض کرد جان من فدای تو باد یا رسول الله (ص) شما بیان فرمائید .

حضرت فرمود یا جابر : اول در خواب دیدی که بتان زرین بر تخمهای سیمین نشسته اند .

عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) فرمود تعبیرش آنستکه در آخر الزمان کافران بر مسلمانان غلبه خواهند نمود .

دویم در خواب دیدی که گاوان فربه علف می خورند ولکن روث و سرگین دفع نمی نمایند . عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) فرمود تعبیرش آنستکه زمانی بیاید بر امت من که سلطان بظلم اموال آنها را بخورد و براه خیر نفقه نماید . سیم آنکه در خواب دیدی که اسبان فربه علف می خورند و سرگین نمی اندازند . عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) .

حضرت فرمود تعبیرش آنستکه زمانی بر امت خواهد آمد که توانگران مال خدا را بخورند و از درویشان منع نمایند .

چهارم در خواب دیدی که حوض بزرگی است ولکن آبی در آن نیست معذلک در اطراف آن سبزه بسیاری روئیده بود .

عرض کرد چنین است یا رسول

الله (ص) .

حضـرت فرمود تعبیرش این است که در میان امت عالمان بسـیار پیـدا شونـد که برکرسـیهای بلند نشسـته و نیکو گویند و نیکو داننـد امـا خود بـدان کـار نکننـد . پنجم در خواب دیـدی که بیماران بر سـر تندرسـتان جمع شدنـد . عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) حضـرت فرمود تعبیرش آنسـتکه درویشان آنزمان که بیمارانند بدر سرای تندرستان که توانگرانند جمع شوند برای سوال نمودن از حقوق خود . شـشم در خواب دیدی که از آسمان پارچه سفیدی آویزان شده و هر کس پاره ای از آن را در دست دارد و میگویـد آنچه را که من در دست دارم از این پارچه از آن دیگران بهتر است و هر کسـی از آنها این سـخن را میگویـد . عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) حضـرت فرمود تعبیرش این است که امتان من بعد از من هفتاد و سه فرقه شوند یک مذهب و یک فرقه که اهل بیت من بر آنست بر حق باشد و دیگران از آن مذاهب بر باطل و خاسـرو هالک باشند . و مع ذلـک هر یـک از آن مـذاهب گویـد مـذهب من از دیگر مـذاهب بهـتر است و من بر حق و دیگران برباطلنـد . هفتم در خواب دیـدی که در آشـیانه ای کبوتران بسـیاری هسـتند ناگاه کبوتر سـفیدی بیامد و دیگر کبوترها را از آشـیانه بیرون نمود . عرض کرد چنین است یا رسول الله (ص) . حضـرت فرمود تعبیرش آنست که آن کبوتران سـفید اشاره بامام آخر الزمان باشد که ظهور کند و نام

او چون نام من و کنیه او چون کنیه من باشد . مردم تماما بدست آن جناب بر دین حق داخل شوند و مذاهب باطله را براندازد و دین حق را رواج دهد .

دوم در فضیلت شب و روز عید فطر و ثواب روزه داران و عبادت کنندگان ماه مبارک رمضان در آن روز بزرگ و موعظه روز عید فطر و آن در ضمن اموری بیان می شود .

اول فضیلت شب و روز عید فطر و اعمال آن بطور اختصار . بدانکه اعیاد اسلامی چهار عید است :

عید فطر و عید قربان و روز جمعه و عید غدیر و آن افضل همه عیدها است و مثل آن در میان عیدها مثل ماه شب چهارده در میان ستارگان است . و آن روزی است که حضرت رسول اکرم (ص) بامر خداوند عالمیان در غدیر خم حضرت امیرالمومنین (ع) را به امامت و خلافت و وصایت تعیین فرمود و از مردم بیعت گرفتند و همه پیغمبران وصی خود را در آنروز تعیین می کردند . و نیز افضل شبها بعد از شب قدر چهار شب است شب عید فطر و عید قربان و شب اول ماه رجب و نیمه شعبان . چنانچه از حضرت صادق از آباء گرامش از حضرت امیر المومنین (ع) مروی است که آن حضرت را خوش می آید و دوست می داشت که فارغ سازد خود را در چهار شب در تمام سال یعنی احیا بدارد آن شبها را بعبادت . و آن چهار شب : شب اول رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید قربان بود . پس بنابراین روز عید فطر یکی از آن چهار عید بزرگ اسلامی

است . و شب آن یکی از آن چهار شبی است که احیا آن مستحب و امتیاز مخصوصی برای عبادت دارد که در فضیلت و ثواب عبادت آن احادیث بسیار وارد شده . وروایت شده آن شب کمتر از شب قدر نیست و اما اعمال و ادعیه وارده در شب و روز عید فطر پس آن بسیار است که در کتب مفصله بیان شده و در اینجا اکتفا می شود به چند چیز :

اول غسل در شب و روز آن . دوم احیا آن شب به نماز و دعا و استغفار و سوال از حقتعالی حوائج دنیا و آخرت را و بیتوته در مسجد نمودن سوم در عقب نماز مغرب و عشا و نماز صبح و بعد از نماز عید بخواند این تکبیرات را :

چهارم بخواند زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) را در شب و روز آن که فضیلت بسیار دارد

پنجم ده مرتبه بخواند ذکر یا دائم الفضل را که در شب جمعه و عید قربان هم وارد شده است .

ششم بخواند نمازهای وارده در این شب را که ثواب بسیاری دارد

هفتم بخواند نماز روز عید فطر را و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد و سوره و قبل از رکوع پنج قنوت و در رکعت دوم بعد از حمد و سوره و قبل از رکوع چهار قنوت بخواند .

هر دعائی که در قنوت بخواند کافی است . هشتم قبل از رفتن بمصلی افطار کند و لباسهای نیکو و پاکیزه بپوشد و بوی خوش استعمال کند

نهم دعاهای وارده در این روز را بخواند مخصوصا دعای ندبه و دعای ۴۶ صحیفه

سجادیه را

دهم اخراج کردن زکوه فطره است از خود و هر که نان خور او است هر سری یک من تبریز از گندم و جو و خرما و کشمش یا قیمت یکی از آنها بتفصیلی که در رساله های علمیه مذکور است .

و بدانکه زکوه فطره واجب موکد است و شرط قبول روزه ماه رمضان و سبب حفظ تا سال دیگر است و خداوند تعالی آنرا مقدم بر نماز ذکر فرموده در این آیه شریفه

دوم در فضیلت روزه داران و اجر وثواب آنها در عید فطر و بشارت خداوند عالمیان به آنها . و در این باب روایات بسیار وارد شده است ولی بنقل دو روایت تبرک می جوئیم .

مرحوم صدوق علیه الرحمه بسند خود از حضرت صادق از آباء گرامش نقل فرموده که حضرت امیرالمومنین (ع) در روز عید فطری برای مردم خطبه ای خواند . پس فرمود ایها الناس بدرستیکه روز شما روزی است که نیکوکاران ثواب داده می شوند و بدکاران زیان می برند در آن . و امروز شبیه ترین روزی است به روز قیامت شما . پس یاد کنید بخروج خود از منزلهای خودتان بسوی مصلی وقت خروج خود را از قبرها بجانب پروردگار خود و یاد کنید ایستادن خود را در مصلی وقت ایستادن خودتان را در مقابل پروردگار خود .

و یاد کنید برجوع خود در منزلهایتان وقت رجوع خود را بمنزلهای خود در بهشت یا جهنم .

و بدانید ای بندگان خدا کمتر چیزیکه برای مردان روزه دار و زنان روزه دار است این است که ندا می کند ملکی آنها را در آخر روز ماه رمضان بشارت باد شما را ای بندگان خدا .

پس بتحقیق که آمرزید خداوند گناهان گذشته شما را پس ملاحظه کنید چگونه خواهید بود در آینده .

دوم علامه مجلسی علیه الرحمه در زاد المعاد ص ۱۸۵

نقل فرموده است .

و چون شب عید فطر می شود و آن را شب جوائز می گویند خدا مزد می دهد عمل کنندگان ماه رمضان را بی حساب .

و چون بامداد روز عید می شود حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها می فرستد که بر زمین می آیند و بر سر کوچه ها و بازارها و راهها می ایستند . و می گویند ای امت محمد (ص) بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد

پس چون بمصلی برونـد برای نماز عیـد حقتعالی بملائکه می گویـد ای ملائکه من چیست جز ای مزدور هر گاه عمل خود را بکنـد . ملائکه می گوینـد ای خداوند ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود . حقتعالی می گوید ای ملائکه من شـما را گواه می گیرم که ثواب ایشانرا از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم .

پس نـدا می فرمایـد مومنانی را که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من سوال کنید . بعزت و جلال خود سوگند یاد می کنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سوال کنید البته عطا می کنم

و عیبهای شما را می پوشانم تا از من روگردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف می دهم

و شما را در میان گناهکاران رسوا نمی گردانم برگردید از مصلی آمرزیده .

بدرستی که خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما .

پس ملائکه مسرور و

شاد می شوند و یکدیگر را مبارکباد می گویند به آنچه حقتعالی به امت محمد (ص) عطا کرد

سوم در موعظه روز عیـد فطر بعـد از نماز عید . بدانکه مسـتحب است بعد از نماز دو خطبه خوانده شود و بعد از خطبه امام جماعت احکام عید فطر را بیان کند و مردم را موعظه نماید و احادیث مناسب برای موعظه بسیار است .

ولی شایـد مناسب تر از همه همان قسـمت آخر خطبه اول باشد که از حضـرت امیر المومنین (ع) نقل شده است و آنحضـرت آنرا بعد از نماز عید خوانده است .

و ما برای تکثیر فایده بنقل قسمت آخر خطبه شریفه تبرک می جوئیم تا از خواندن و شنیدن آن همه مومنین بهرمند گردند

آگاه باشید بدرستیکه امروز روزی است که خداوند قرار داده آنرا برای شما عید و قرار داده شما را برای آنروز اهل و شایسته .

پس یاد کنید خدا را تا یاد کند شـما را . و بخوانید خدا را تا مسـتجاب کند برای شما و ادا کنید فطره خود را زیرا که آن سنت پیغمبر شما و فریضه واجب و لازم از پروردگار شما است .

پس بایـد ادا کنـد هر مردی از شـما از خود و عیال و نان خور خود همه آنها از مرد و زن و صـغیر و کبیر و آزاد و بنده آنها از هر انسانی و فردی از آنها یک صاع از گندم یا یک صاع از خرما یا یک صاع از جو .

(یک صاع ۴ مد است که یک من تبریز و ۳ کیلو می شود تقریبا) (بعد از بیان زکوه فطره آنحضرت هفت چیز از واجبات را شمردنـد با تاکید در عمل نمودن به آنها و هفت چیز از محرمات را بیان کردند با تاکید در ترک کردن آنها) و فرمود اطاعت کنید خدا را در آنچه واجب فرموده بر شما

و امر کرده شما را به آن

از اقامه نماز و دادن زکوه و حج خانه خدا و روزه گرفتن ماه رمضان .

وامر به معروف و نهی از منکر و احسان نمودن بزبان خود و آنچه مملوک شما است . و اطاعت نمائید خدا را آنچه نهی کرده شما را از آن از قذف و اتهام زن عفیفه .

و بجا آوردن فاحشه و آشامیدن خمر و مسکرات و کم دادن در کیل و نقصان در ترازو و میزان و شهادت دروغ و فرار از جنگ . خداوند ما و شما را حفظ نماید و نگهدارد بوسیله تقوی و قرار دهد آخرت را بهتر از برای ما و شما از دنیا همانا نیکوترین حدیث و بلیغ ترین موعظه متقین و پرهیزکاران کتاب خداوند عزیز و حکیم است . پناه میبرم بخدا از شرشیطان رجیم . بنام خداوندیکه مهربان است در دنیا بر مومن و کافر و مهربان است در آخرت بر مومن و بس

بگو یا محمد خدا یکی است خدا بی نیاز است و همه هستند خدا محتاج او خدا فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نباشد احدی برای او همتا و کفوی

سیم در فضیلت و اهمیت نماز و اینکه نماز ستون دین و معراج مومن و اول از فروع دین است . بدانکه نماز بهترین اعمال است نزد خداوند تعالی . و نماز آخر چیزیست که پیغمبران در باب آن وصیت می کردند و آن عمود دین است هرگاه او قبول شود ما سوای آن قبول می شود و اگر نماز قبول نشود سایر اعمال نیز قبول نشود .

و نماز اولین چیزیست که در میان اعمال

بنی آدم به آن نظر می کنند پس اگر صحیح شد نظر بسایر اعمال او کنند و اگر صحیح نباشد دیگر نظر در بقیه اعمال او ننمایند . و چون روز قیامت شود بنده را بخوانند و اول چیزیکه از او سوال کنند نماز است

پس اگر نماز را در دنیا کامل و تمام بجا آورده باشد آسوده و الا او را در آتش افکنند

و در حدیث صحیح است که حضرت صادق (ع) فرمود که من بعد از معرفت چیزی را افضل از نماز نمی دانم و استشهاد فرمود بکلام حضرت عیسی (ع) که گفت :

و شیخ طوسی (ره) از آنحضرت نقل کرده که فرمود نماز فریضه مقابل است نزد خداوند باهزار حج و هزار عمره که مبرور و مقبول باشد . و روایات بسیار وارد شده در تاکید کردن بنماز و محافظت بر آن و بجا آوردن آن در اول وقت و آنکه هر که استخفاف کند در حکم تارک نماز است . و از رسولخدا (ص) مرویست که فرمود از من نیست کسی که استخفاف کند به نماز خود و آنرا سبک شمرد

و نیز فرمود شفاعت من نمی رسد بکسیکه استخفاف به نماز کند

و فرمود نماز خود را ضایع می کند پس بدرستیکه هر که ضایع کند نماز خود را محشور شود با قارون و هامان و حق است بر خدا که او را با منافقین داخل در آتش کند و حضرت امیر المومنین (ع) در آخر وصیت خود فرمود :

از خدا بترسید از خدا بترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین عمل و

ستون دین شما است . و وارد شد که وقتی رسول خدا (ص) در مسجد نشسته بود که مردی داخل مسجد شد و به نماز ایستاد و نماز خود را بجا آورد در حالتیکه رکوع و سجود آنرا تمام نکرد

حضرت فرمود نقر کنقر الغراب حاصل معنی آنکه این مرد سری بر زمین زد مثل کلاغ که منقار بر زمین زند پس فرمود اگر بمیرد این مرد و نمازش بهمین نحو باشد هر آینه بر غیر دین من خواهد مرد و بالجمله آنچه در باب نماز و فضیلت خواند آن و مذمت تارک و ضایع کننده آن وارد شده زیاده از آنست که احصاء شود و یا تحریر گردد

ولیکن در اینجا بنقل یک حدیث که آخر وصیت امام صادق (ع) رئیس مذهب است تبرک می جوئیم

ابوبصیر گوید حدمت ام حمیده (والده ماجده حضرت موسی بن جعفر (ع) رسیدم که تعزیت بگویم او را به شهادت حضرت صادق (ع) . پس آن مخدره گریست و من هم از گریه او گریستم پس فرمود یا ابا محمد اگر میدیدی حضرت صادق را در وقت شهادت هر آینه امر عجیبی را مشاهده میکردی

چشمان خود را گشود پس فرمود جمع کنید هر کسیکه بین من و او قرابت و خویشی است . فرمود پس ما هیچیک از آنها را وانگذاشتیم مگر اینکه جمع کردیم

پس آنحضرت نظری افکنده بسوی ایشان و فرمود .

همانا شفاعت ما نخواهد رسید بکسیکه استخفاف کند بنماز . یعنی نماز را خوار و سبک شمرد و اعتنا و اهتمام به آن نداشته باشد

مولف گوید بس است در اهمیت

و فضیلت نماز که حضرت رسول خدا (ص) در خطبه ماه رمضان فرمودند که خداوند قسم یاد کرده به عزت و جلال خود که عذاب نکند نماز گزاران و سجده کنندگان را .

تذییل و تزیین

مولف گوید مناسب دیدم برای تکثیر فایده نقل نمایم بعض ادعیه و اذکار موجزه و خواص بعض سوره قرآنیه و ختومات مجربه که خواندن آنها همیشه او قات مناسب و مشتمل بر آثار و فوائد بسیار است

تبرک می جوئیم به چهارده چیز بعدد ۱۴ معصوم صلوات الله علیهم اجمعین و کتاب خود را به آنها زینت می دهیم

اول :

از حضرت امیر المومنین (ع) منقول است که مردی را دید که می خواند از روی دفتری دعای طولانی

حضرت فرمود ای مرد آنخدائیکه می شنود کثیر را جواب میدهد از قلیل

آن شخص عرض کرد ای مولای من میفرمائی چکنم فرمود بگو :

الحمد لله علی کل نعمه .

واسئل الله من کل خیر .

و اعوذ بالله من کل شر و استغفرالله من کل ذنب .

مفاتیح ص ۵۷۲

دوم :

دعای حضرت ابی ذر (ره) که در میان اهل آسمانها معروف است

چنانچه جبرئیل (ع) حضور رسول خدا (ص) عرض کرد بدرستیکه او را دعائی هست که در میان اهل آسمانها معروف است .

و آن دعا این است .

سیم :

در ثواب خواندن سوره توحید و آثار آن

منتهی الامال ص ۸۵

بـدانکه خوانـدن سوره توحیـد بعد از نمازها و وقت مسافرت و خوابیدن و در جمیع حالات ثواب بسـیار و فوائد و آثار فراوانی دارد

و بجهت هر حاجت از مقاتل مرویست که مدت هفت روز بعد از نماز صـبح هر روز یک صد مرتبه سوره توحید بخواند بدون تکلم باخضوع و خشوع هنوز تمام نشده باشد که حاجتش بر آورده شود

.

چهارم :

در ثواب خواندن سوره انا انزلنا و آثار و فوائد آن

از حضرت صادق (ع) مروی است هر که مداومت کند به این سوره روزی او را از جائی رسد که گمان نداشته باشد و به جهت وسعت رزق هر روزی ده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند و قدرت حق را مشاهده نماید

و حضرت صادق (ع) فرمود هر که سوره انا انزلنا را در نماز فریضه بخواند منادی از جانب پروردگار او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید عمل از سر گیر

پنجم :

در فوائد و آثار خواندن سوره مبارکه حشر

از حضرت صادق (ع) منقول است که هر سوره حشر را از برای قضا حوائج و بر آمدن امور عظیم چهل روز هر روز یک مرتبه بخواند حاجتش برآید و کارش رواج گیرد .

و اگر یک روز فوت شود ختم را از سر گیرد و بسیاری از اکابر علما از مجربات شمرده اند

قرآن کشف الایات ص ۶۱

ششم :

حضرت امیر المومنین (ع) فرمود هر که بخواند صد آیه از قرآن را از هر سوره که باشد پس بگوید هفت مرتبه یا الله

پس اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آنرا انشاء الله تعالی

هفتم :

در اعمالیکه بجا آوردن آنها سبب توفیق زیارت بیت الله الحرام است

اول گفتن بعد از هر نماز واجب اللهم صل علی محمد و آل محمد

دوم گفتن ماشاء الله هزار مرتبه در یک مجلس

سوم خواندن سوره حج هر سه روز یک مرتبه تا یک سال چنانچه از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود هر که

بخواند سوره حج را در

هر روز بسر نمیرود سالش تا اینکه بیرون رود به بیت الله الحرام .

چهارم خواندن سوره عم را تا یکسال چنانچه از حضرت صادق (ع) منقول است که هر که مداومت نماید هر روز بر خواندن آن سال تمام نشده باشد که زیارت نماید بیت الله الحرام را انشاءالله تعالی

هشتم :

در روایت است که هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا حضرت قائم را دریابد . و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند حقتعالی شصت حاجت او را بر آورد سی از حاجات دنیا و سی از حاجات آخرت .

نهم :

روایت شده از ائمه (ع) که هر که در روز جمعه دو رکعت نماز کند بعد از نماز ظهر بخواند در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هوالله احد و بعد از نماز بگوید :

تا جمعه دیگر بلا و فتنه ای باو نرسد و حقتعالی جمع کند میان او و محمد (ص) و ابراهیم (ع)

و نظیر این نماز است نماز شب قدر یعنی ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان در تمام آن سه شب دو رکعت نماز بخواند هر رکعتی حمد و هفت قل هو الله احد و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار نماید که ثواب بسیاری برای آن وارد شده است .

دهم :

بسند معتبر روایت شده از حضرت رسول (ص) که فرمود هر که روز صد مرتبه بگوید لااله الا الله الملک الحق المبین امان یابد از فقر

و وحشت قبر و توانگری باو روی آورد درهای بهشت بر روی او گشوده شود . و از حضرت امیر المومنین (ع) مروی است که هرکه روزی سی مرتبه بگوید سبحان الله خداوند او را هفتاد نوع بلا حفظ نماید که آسانتر آنها فقر و پریشانی است

یازدهم :

خواندن نماز حضرت امیر المومنین (ع) و مام زمان (ع) و جعفر طیار و نماز شب و مداومت بزیارت عاشورا و جامعه و دعا توسل و سوره یس و واقعه مواظبت بهر کدام برای توسعه در زندگانی و بر طرف شدن گرفتاریها و رسیدن بمقاصد عالیه و بر آمدن حوائج دنیا و آخرت بسیار مفید و مجرب است .

دوازدهم :

در امالی صدوق است که حضرت صادق (ع) فرمود هر که سه مرتبه در سجده بگوید یا الله یا رباه یا سیداه از جانب خطاب رسد لبیک سوال کن حاجت خود را بر آورده است .

سیزدهم :

مرویست که هرکس در سجده چهارده بار بگوید یا وهاب حقتعالی او را غنی گرداند

و از حضرت صادق (ع) منقول است که هر که کاری را پیش آید پنج بار بگوید ربنا حقتعالی مهم او را کفایت نماید .

چهاردهم :

چون مطلبی بخواهی بسجده رو و هفت بار بگو یا ارحم الراحمین فی الحال مطلب بر آید .

نوع دیگر وضو ساخته سر به آسمان نماید و سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم البته آن مطلب برآید

تمام شد آنچه مقدر بود ثبت آن در این اوراق الحمدلله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا .

عباس بن علی اکبر ایمانی قمی المعروف به جهرودی غفرالله

ذنوبهما وذنوب جميع المومنين و المومنات بحق سيدنا محمد و آله الطاهرين (ص) .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹